



تشکل واحد: برای حضور نیرومند چپ در صحنه سیاسی کشور

در این شماره می خوانید:

- صفحه ۲ - اشغال عفرین توسط دولت ترکیه را محکوم می‌کنیم!
- صفحه ۳ - در سوگ از دست دادن رفیق سلمان نجفیان
- صفحه ۴ - کدام موفقیت در اقدامات منطقه‌ای؟
- صفحه ۵ - ابرهای جنگ و باد
- صفحه ۵ - دختر فلسطینی که به سرباز اسرائیلی سیلی زد زندانی می‌شود
- صفحه ۶ - در ضرورت تشکیل حزب چپ دموکرات و سوسیالیست
- صفحه ۷ - سند سیاسی : اوضاع سیاسی کشور و سیاست‌های ما
- صفحه ۹ - آقای روحانی؛ دوران عوام‌فریبی به سر رسیده است!
- صفحه ۱۰ - پیرامون منشور "دیدگاه و ارزش‌ها، گذار به دموکراسی" و منشورهای ارائه شده
- صفحه ۱۲ - موثرتر از گذشته در صحنه سیاسی عمل می‌کنیم!
- صفحه ۱۵ - مناسبات ایران و هند در بستر چالش‌های استراتژیک و ژئوپلیتیک جهانی

اعلامیه مشترک



سال نو بر همگان خجسته باد!

به رسم نیک هرساله، فرا رسیدن سال نو را به همه هم‌میهنان شادباش می‌گوییم. نوروز باستانی مناسبتی برای بیان بهترین آرزوها برای همه مردمی است که نوروز را دوست دارند و آن را جشن می‌گیرند. نوروز برای ما از این حیث نیز گرمی است که مرزها را در می‌نوردد. جشن نوروز را ده‌ها میلیون انسان در ایران، جمهوری آذربایجان، ازبکستان، افغانستان، ترکیه، پاکستان، هند، تاجیکستان، ترکمنستان، کردستان عراق، کردستان سوریه، قرقیزستان، قزاقستان، و حتی مناطقی از قاره آفریقا می‌شناسند و برگزار می‌کنند. نوروز، رسمی است که فارغ از ریشه تاریخی آن، دیگر به هیچ قوم، مذهب، زبان و ملیتی تعلق انحصاری ندارد. و این بر جذابیت آن می‌افزاید. در جهانی که هویت‌های کاذب، بهانه و دستمایه دشمنی، تبعیض و پیشداوری قرار می‌گیرد، رسمی هست به نام نوروز که بزرگی آن به غلبه‌اش بر مرزهاست، مرزهایی که در برابر کشش انسانها به خرمی و شادی و دوستی خوار می‌شوند. نوروز در عین حال در محل زندگی اغلب دوستداران آن، آغازی نو در طبیعت است. آغازی که از دیرباز، شوق و آرزوی آغازی نو در جوامع انسانی را نیز برانگیخته است.

این شوق و آرزو امسال در میان ما ایرانیان بیش از ده‌ها سال گذشته جوانه زده است. در سالی که گذشت، رنجبران ایران به صدای بلند فریاد زدند که آغازی نو می‌خواهند. در سال ۱۳۹۶، جویبارهای حرکات اعتراضی سال‌های گذشته زنان، کارگران، کشاورزان، بیکاران، تهیدستان، پرستاران، معلمان و جوانان به هم پیوست و رودی خروشان پدید آورد. سالی که گذشت، نویدبخش گسترش خودآگاهی‌های بخش در ایران بود. این بار در فروردین، آتش دی است که به دل ما گرمی می‌بخشد.

به امید آن که در سال جدید، نیروی متحد انسان‌های خواستار رهایی، سدهای استبداد و تاریک اندیشی را بشکنند. برای همه این انسان‌ها پیروزی و آزادی آرزو می‌کنیم.

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

هیئت مسئولین کنشگران چپ

هیئت هماهنگی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ

۲۷ اسفند ۱۳۹۶ (۱۸ مارس ۲۰۱۸)

اطلاعیه برگزاری کنگره مشترک

**هم میهنان گرامی،
رفقا و دوستان ارجمند!**

به اطلاع شما عزیزان می‌رسانیم که بعد از سال‌ها، کار و تلاش سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و کنشگران چپ، برای غلبه بر پراکندگی در صفوف نیروهای چپ و بنیان‌گذاری تشکلی واحد، سرانجام به ثمر می‌نشیند. کنگره مشترک ما برای ایجاد تشکلی نوین به مدت سه روز از تاریخ ۱۰ تا ۱۲ فروردین ۱۳۹۷ برابر با ۳۰ مارس تا ۱ آوریل ۲۰۱۸ برگزار خواهد شد. در این کنگره اعضای سه جریان همراه با علاقمندان و دوستداران وحدت این بخش از جنبش چپ ایران، تشکلی نوینی را بنیان خواهند گذاشت. ما گزارش تدارک کنگره را به اطلاع شما رسانده‌ایم. در این مدت با تشکیل گروه‌های کار، راه اندازی سایت «به پیش» کوشیده‌ایم امکان تصمیم‌گیری کنگره را حول موضوعات در دستور کار آن فراهم نمائیم. موضوعات پیش‌نهادی برای قرار گرفتن در دستور کار کنگره عبارت‌اند از:

- سند منشور
- سند سیاسی
- اساسنامه
- نام تشکلی نوین
- انتخاب ارگان‌های مسئول تشکلی نوین

اسنادی که به کنگره ارائه می‌شوند، در سایت «به پیش» منتشر خواهند شد. مباحث حول موضوعات در دستور کار کنگره و گفت‌وگو با صاحب‌نظران و علاقمندان به وحدت چپ ماه‌هاست که در سایت «به پیش» جریان دارد. هدف ما تشکیل جریان چپ برنامه‌محور، سیاست‌ورز و تأثیرگذار در کشور است. روشن است که تحقق این امر با یاری و همکاری نیروها و صاحب‌نظران چپ در داخل و خارج از کشور امکان‌پذیر است. کنگره مشترک ما بعد از خیزش اعتراضی مردم که خواهان تغییرات اساسی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است، برگزار می‌شود. شعارهای مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی و برای کار، نان و آزادی، در سراسر کشور طنین‌انداز شده است. همین واقعیت نیز ضرورت حضور توانمند نیروهای مدافع آزادی و عدالت اجتماعی را بیش از همیشه نشان داده و متحد شدن صفوف چپ را به یک امر حیاتی تبدیل کرده است.

امکان حضور دیگر فعالان چپ علاقه‌مند به روند ایجاد تشکلی نوین و شرکت در کنگره به عنوان عضو وجود دارد. هیات برگزاری کنگره مشترک، اعضای سه جریان و دیگر فعالان راه آزادی، عدالت اجتماعی، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم را به بیشترین مشارکت در برگزاری کنگره مشترک فرامی‌خواند و امیدوار است پی‌ریزی موفقیت‌آمیز سازمان واحد، موجب تقویت نقش نیروهای چپ در سپهر سیاسی کشورمان باشد.

پیش به سوی ایجاد تشکلی تأثیر گذار، برنامه‌محور و سیاست‌ورز!

پرتوان باد جنبش اعتراضی مردم علیه استبداد و برای کار، نان و آزادی!

هیئت برگزاری کنگره مشترک



اشغال عفرین توسط دولت ترکیه را محکوم می‌کنیم!

رجب طیب اردوغان، سرانجام به آرزوی رسید و عفرین را اشغال کرد. آرزویی که به قیمت جان صدها تن از مردم عفرین و آواره شدن صدها هزار انسان بی‌گناه به دست آمد. در روزهای گذشته با نزدیک‌تر شدن نیروهای ترکیه به شهر عفرین، ۲۰۰ هزار تن از ساکنان آن گریخته‌اند. به گفته دیده‌بان حقوق بشر سوریه، شمار قربانیان غیرنظامی در حملات ترکیه و شبه‌نظامیان ارتش آزاد سوریه به عفرین به ۲۸۱ تن، از جمله ۴۳ کودک و ۲۸ زن رسیده است. سازمان ملل و صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) نسبت به افزایش قربانیان غیرنظامی، به‌ویژه کودکان هشدار داده‌اند. رجب طیب اردوغان آنچنان از کشتار مردم عفرین سرمست شده که در مقابل قطعنامه پارلمان اروپا که از آنکارا خواسته بود تا به عملیات نظامی «شاخه زیتون» پایان دهد، گفته است: "ما این حرف‌ها را از این گوش می‌گیریم و از آن گوش در می‌کنیم".

عفرین یکی از سه کانتون کردی است که در شمال سوریه و نزدیکی مرز این کشور با ترکیه واقع شده‌اند. بنا به گزارش رویترز، نیروهای ارتش ترکیه پس از اشغال عفرین مجسمه کاوه آهنگر، شخصیتی حماسی و اسطوره‌ای، را تخریب کرده و پرچم خود را در این نقطه برافراشتند. این اقدام توهین به تاریخ و فرهنگ کردها است. نیروهای کرد سوریه می‌گویند که ارتش ترکیه و متحدین وی جنایت‌های وحشتناکی را در عفرین مرتکب شده و در نتیجه حملات نظامی بیش از ۵۰ نفر در ساعات اولیه اشغال عفرین کشته و زخمی شده‌اند.

دولت ترکیه کردهای کشور خود را سرکوب می‌کند، «حزب اتحاد دموکراتیک» سوریه را شاخه‌ای از "حزب کارگران کردستان" ترکیه (پ‌ک‌ک) و گروهی "تورپیست" می‌داند و از قدرت‌گیری کردهای سوریه در مناطق هم‌مرز ترکیه به شدت بیمناک است. این دولت حمله به عفرین و کشتار مردم را با عنوان ایجاد منطقه‌ای امن در مرز سوریه و عقب راندن شبه‌نظامیان کرد توجیه می‌کند.

عفرین تنها مانده است. دولت‌های آمریکا، روسیه و جمهوری اسلامی دست اردوغان را برای حمله نظامی و اشغال عفرین باز گذاشتند. خودمدیریت دموکراتیک کانتون عفرین با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که حمله به عفرین با حمایت مشترک روسیه و نیروهای بین‌المللی صورت گرفت و "روسیه بار دیگر جهت مطامع و منافع خود، خلقمان را فدا و با گشودن آسمان عفرین امکان هرگونه حمله توسط جنگنده‌های ترکیه را مهیا ساخت. دولت سوریه نیز در راستای منافعش، خلقمان را قربانی کرد. ساختارهایی چون ائتلاف بین‌المللی، سازمان ملل، شورای امنیت و اتحادیه اروپا نیز با سکوتشان و عدم اعمال فشار سیاسی در مقابل تجاوز ترکیه و چشم‌پوشی به کشتار غیرنظامیان عملاً راه را برای تجاوز ترکیه باز کردند".

ما خواهان توقف عملیات نظامی "شاخه زیتون"، پایان دادن به اشغال عفرین و کشتار و آواره کردن مردم آن هستیم و از "کمپین بین‌المللی حمایت و همبستگی با مردم و مبارزین عفرین" که از طرف شخصیت‌های سرشناس جهانی آغاز شده و از "فراخوان تظاهرات جهانی برای محکوم کردن ترکیه و حمایت از مقاومت مشروع نیروهای کرد" که در روزهای ۲۳ و ۲۴ مارس برگزار می‌شود، پشتیبانی می‌کنیم.

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۸ اسفند ۱۳۹۶ (۱۹ مارس ۲۰۱۸)

در سوگ از دست دادن رفیق سلمان نجفیان



رفیق عزیزمان سلمان نجفیان که در میان ما با نام "سامان" شناخته می‌شد، در دوم فروردین ۱۳۹۷ (۲۲ مارس ۲۰۱۸) از میان ما رفت. او سال‌ها از مرض جانکاهی رنج می‌برد و سرانجام بیماری او را از پا در آورد. سلمان متولد ۱۳۲۸ و اهل قصر شیرین بود.

رفیق سلمان به مبارزین دهه ۴۰ تعلق داشت و سال‌هایی از عمر خود را در زندان‌های رژیم شاه گذرانده بود. او در سال ۱۳۵۲ در ارتباط با گروه آمل - بابل بازداشت گردید، زیر شکنجه مقاومت کرد و به دوسال زندان محکوم شد. پس از انقلاب فعالیت خود را در صفوف سازمان و در منطقه پرخطر کرمانشاه ادامه داد. کرمانشاه در سال‌های اول انقلاب کانون گروه‌های فاشیستی مثل گروه "شیت" بود که فعالین چپ را مخفیانه می‌ربودند و بعد از شکنجه سربه نیست می‌کردند. سلمان از جمله رفقای بود که در خلال اعدام‌های صادق خلخالی در کردستان توانست از دست او بگریزد.

رفیق سلمان در سال‌های اول انقلاب مسئول کمیته ایالتی کرمانشاه بود. او بعد از سال ۱۳۶۲ در داخل کشور ماند و به فعالیت تشکیلاتی در فضای شدید امنیتی ادامه داد. او از سال ۶۲ تا ۶۵ جزو مسئولین تشکیلات مخفی سازمان در داخل کشور بود. سلمان در سال ۱۳۶۶ از ایران خارج و در کشور سوئد اقامت گزید و بار دیگر شغل آموزگاری را انتخاب کرد. رفیق سلمان در پلنوم سال ۶۵ به عضویت کمیته مرکزی در آمد و در کنگره اول سازمان به عنوان عضو شورای مرکزی انتخاب شد.

سلمان جزو رفقای ارزنده و فداکار ما بود که سال‌ها در سازمان ما در شرایط سخت فعالیت کرد و عهده‌دار مسئولیت‌های سنگین شد. او متأسفانه از ۱۵ سال قبل به خاطر بیماری خانه نشین شد و تحت مراقبت قرار گرفت. رفیق زهره، همسر رفیق سلمان در این مدت و در تمام مراحل بیماری با استقامت و بردباری در کنار سلمان ماند و تمامی مسئولیت خانه، فرزندان و مداوای رفیق سلمان را بردوش کشید. بادرگذشت رفیق سلمان، سازمان ما رفیقی فداکار، مبارز و مردم‌دوست را از دست داد.

شورای مرکزی سازمان به زهره گرمی، شقایق و کاوه عزیز تسلیت می‌گوید، خود را در غم آن‌ها شریک می‌داند و برای آنها، بستگان و همه رفقا آرزوی صبر و بردباری دارد.

دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۴ فروردین ۱۳۹۷ (۲۴ مارس ۲۰۱۸)

کدام موفقیت در اقدامات منطقه‌ای؟

سیامک سلطانی



یادداشت سیاسی کارآنان

سخنرانی نوروزی خامنه‌ای در مشهد، حاوی نکات بسیاری است که بررسی همه جانبه تک تک این موارد، اثباتی خواهد بود بر فاصله بسیار واقعیت آنچه در کشور چه در عرصه داخلی و چه در مسائل بین‌المللی، به ویژه در سطح منطقه‌ای در جریان است.

خامنه‌ای در ابتدا مکتبی داشت بر شعار استقلال به مثابه یکی از شعارهای محوری انقلاب سال ۵۷ و گفت: "امروز در دنیا هیچ کشوری به استقلال ملت ایران نمی‌رسد." و "همه‌ی ملت‌های دنیا به نحوی از انحاء نوعی ملاحظه‌کاری در مقابل قدرت‌ها دارند. آن ملتی که آراء او تحت تأثیر هیچ‌کدام از ملت‌ها قرار نمی‌گیرد ملت ایران است." این سخنان می‌توانند درست باشند هرگاه که به جای واژه «استقلال» از «انزوا» و به جای «ملاحظه‌کاری» از زیر پا گذاشتن بسیاری از نرم‌های رایج در روابط بین کشورها، قرار داده شوند. آتش زدن پرچم دیگر کشورها، حمله به سفارتخانه‌ها و شعارهای "مرگ بر" و "نابود باد" و "محو باد" را نمی‌توان نشانه‌ای بر درک درست از واژه‌های «استقلال» و «ملاحظه‌کاری» ارزیابی کرد. تمامی این شعارها و پرچم زریا نهادن‌ها و به آتش کشیدن‌ها، که بی ارتباط با نهادینه شدن خشونت در جامعه نیستند، موجب آن گردیده اند که از کشور و مردم ما تصویری خشن درآدهان و رسانه‌های عمومی بین‌المللی، نقش ببندند.

در ارتباط با حضور منطقه‌ای موضوع به گونه دیگری است. خامنه‌ای در این رابطه گفت: "کسانی که در همه‌ی مسائل داخلی مناطق مختلف دنیا می‌خواهند دخالت کنند، اعتراض می‌کنند که ایرانی‌ها چرا دخالت می‌کنند؛ خوب به شما چه؟" به راستی آیا خامنه‌ای نمی‌داند که قبل از "فضولان بین‌المللی" که مسلماً به دنبال منافع کشور متبوع خود هستند، این مردم ایران بودند که نه حضور سیاسی، بلکه حضور نظامی ایران در کشورهای دیگر را به زیر علامت سؤال بردند؟ مردم ایران هرگز مخالف اقتدار سیاسی کشور در سطح منطقه و فرامنطقه‌ای نبودند و نیستند.

آنچه مورد مخالفت مردم است، تعویض جای وزارت‌خارج و مسئولین آن در تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با «اتاق‌های فرماندهی عملیات جنگی» و فرماندهان سپاه است؛ روشن است که هزینه سنگین انسانی و مادی و معنوی این تعویض، از جیب مردمی تامین می‌گردد که بخش قابل ملاحظه‌ای از آنان یا در زیر خط فقر قرار دارند و یا در آستانه

فرماندهان نظامی و دادن آن به وزارت خارجه، با توسل به درایت سیاسی و دوراندیشی و پرهیز از هرگونه "خود برترینی"، از فراروئیدن مواضع خصمانه به اقدام تقابلی‌جویانه، جلوگیری کرد؛ اما وقتی که در به اصطلاح اردوی "دوستان" چه در میان کشورهای همسایه و چه دورتر از آن، در موارد مربوط به بررسی امکانات سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بازسازی زیر ساخت‌های ویران شده در اثر جنگ، تمایل شدید به «ندیدن» و دعوت نکردن ایران را شاهد هستیم، نمونه نشست مربوط به بازسازی عراق که حدود ۲ ماه پیش در لندن و بدون حضور ایران برگزار شد، و یا اعلام حضور قدرتمند سرمایه‌های چینی و روسی در پروژه‌های مربوط به بازسازی سوریه در آینده بدون حضور ایران، باور به «مرحله‌ای بودن» این دوستی، هرچه قوی‌تر می‌گردد.

یک ضرب المثل روسی می‌گوید: "برای پوست خرسی که هنوز شکار نشده است، نباید دعوا به راه انداخت"، هنگامی که خامنه‌ای در سخنان خود از "محاسبات بسیار منطقی" یاد می‌کند و یا قبل‌تر از آن رحیم صفوی، فرمانده عالی‌رتبه سپاه پاسداران با حمایت از مداخله نظامی فعال ایران در سوریه می‌گوید: «ما به طور جدی خواستار استقلال و تمامیت ارضی سوریه هستیم. جمهوری اسلامی ایران هم بایستی هزینه‌هایی که در سوریه کرده است را برگرداند و سوری‌ها این آمادگی را دارند که از نفت، گاز و معادن فسفات سوریه این هزینه‌ها را برگردانند» این ضرب المثل مصداق پیدا می‌کند. کشوری که هنوز آینده آن و به‌ویژه ترکیب مسئولین آتی آن در ابهام و ناروشنی قرار دارند، بر چه اساسی از هم اکنون برای پس دادن هزینه‌های جنگی ایران، می‌تواند وعده بدهد.

اگر از نگاه خامنه‌ای:

- افزایش فقر در داخل کشور که نخستین طغیان نمایندگان آن را در ناآرامی‌های دی‌ماه شاهد بودیم؛

- تداوم کوتاهی در بازسازی مناطق جنگ زده و آسیب‌دیده از وقایع طبیعی، و دادن وعده‌های دروغین؛

- تشدید خطر تقابل نظامی آشکار ایران با محور آمریکا - اسرائیل - عربستان؛

- ریزش هرچه بیشتر اعتبار سیاسی کشور در میان کشورهای منطقه و فراتر از منطقه؛

حاصل "محاسباتی منطقی‌اند" و به عنوان "موفقیت" از آن‌ها یاد می‌شود، باید در انتظار تکرار وقایع دی‌ماه گذشته و تداوم خطرآفرین تنش با غرب بود، این‌بار اما با ابعادی گسترده‌تر و نتایج متفاوت با گذشته.

سقوط به زیر خط فقر. ترویج و تبلیغ دروغین و بی پایه "سروری ایران و ایرانی" در منطقه که الزاماً با تعرض و ای بسا نظامی‌گری نیز همراه است، باید از سیاست منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جمهوری اسلامی، کنار گذاشته شود. اعتبار کشور ما نه از طریق شرکت در ویران سازی این و یا آن کشور، بلکه با استفاده از امکانات سیاسی و درایت در مواجهه با تمایلات تمامیت‌خواهانه این و یا آن کشور است که افزایش می‌یابد.

در اینجا سخن نه بر سر تضعیف بنیه دفاعی کشور، بلکه استفاده از سرمایه‌های انسانی، مادی و معنوی مردم است در راه تامین سیاست‌هایی که در تدوین و تصمیم به اجرای آن‌ها، مردم هیچ نقشی ندارند، اما پرداخت هزینه آن‌ها به اجبار بر دوش شان نهاده شده است. هنگامی که بنا به اظهارات فرمانده کل سپاه، هسته‌های مقاومت در کشورهای منطقه ایجاد می‌گردد، این همان سیاست تعرضی و توسل به نظامی‌گری آشکار است که در سطور قبلی به آن اشاره شد، و جایگاه تشریفاتی وزارت خارجه کشورمان در چالش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، هرچه واضح تر نمایان می‌گردد.

این موضوع که حضور نیروهای ایران بنا به «درخواست کمک به دولت‌ها و ملت‌های منطقه بوده» نیز جزو مواردی است که باید در "بیت پاک" درخواست کننده و یا ارائه کننده کمک، تردید به خرج داد. آخر کشوری که بنا به اعترافات مقامات مختلف آن، با گذشت نزدیک به ۳۰ سال در بازسازی زیرساخت‌های حیاتی مناطق جنگ زده کشور در خوزستان و نیز غرب کشور اقدامی اساسی صورت نداده است، چگونه می‌تواند در بازسازی پس از جنگ کشور دیگری شرکت و نقش داشته باشد. علاوه بر مناطق جنگ زده، مناطق آسیب دیده از حوادث طبیعی نیز گواه دیگری هستند بر عدم توانایی و یا چه بسا «عدم تمایل» مسئولین به کاهش رنج مردم آسیب دیده این مناطق؛ لذا با چه منطقی می‌توان باور کرد که "عقلانیت و منطق" در سیاست کمک رسانی به کشورهای منطقه و فرامنطقه، عمل کرده است و نه پیش‌برد سیاست تقابل با هدف کسب برتری در منطقه و فراتر از آن؟

نزدیکی علنی و آشکار عربستان و اسرائیل و نیز برنامه‌های مشترک آنان علیه ایران از یکسو، مواضع خصمانه دونالد ترامپ و تغییرات وسیع در تیم دستگاه دولتی ترامپ، با سمت‌گیری آشکارا خشن علیه ایران و توافق برجام از سوی دیگر را شاید بتوان در اردوگاه به اصطلاح "دشمن" دید، هرچند در اینجا نیز این امکان وجود داشت و هنوز نیز وجود دارد که با گرفتن ابتکار عمل از سپاه و

ابره‌ای جنگ و باد

فرخ نعمت‌پور



یادداشت سیاسی کارانلین

طی گزارشی در روزنامه شرق، به روال هرساله، مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک در لندن، ارزیابی سالانه خود از توان نظامی و هزینه دفاعی کشورهای جهان را در کتابی تحت عنوان "موازنه نظامی ۲۰۱۸" در ۱۰ فصل و ۵۲۰ صفحه انتشار داده‌است. در این ارزیابی، از موارد زیر سخن به میان آمده است:

- چالش‌های ناشی از فروپاشیدگی محیط امنیتی،
 - قدرت‌هایی مانند چین و روسیه فرادستی و برتری جهانی آمریکا و متحدانش را به چالش کشیده‌اند،
 - هرچند جنگ بین قدرت‌های بزرگ گریزناپذیر نیست، اما کشورها به طور نظام‌یافته و حساب‌شده‌ای خود را برای یک رویارویی احتمالی آماده می‌کنند. بر طبق استراتژی دفاع ملی آمریکا که در ژانویه ۲۰۱۸ انتشار یافته است، احتمال بروز جنگ میان قدرت‌های بزرگ، یکی از چالش‌های آمریکا ارزیابی شده است،
 - افزایش هزینه نظامی آمریکا در مقایسه با سال ۲۰۱۶ به میزان ۷،۱ میلیارد دلار.
- همچنین در گزارش‌های دیگری می‌خوانیم که:

- دولت چین در اجلاس کنگره حزب کمونیست اعلام کرد بودجه نظامی این کشور به میزان ۸/۱ درصد افزایش یافته است. بخش اعظم این بودجه صرف مدرن‌سازی ارتش خلق چین می‌شود.
- دولت روسیه بشدت بر تواناییهای نظامی خود افزوده و با ورود سلاح‌های پیشرفته عملاً برتری ایالات متحده را به چالش می‌کشد،
- وضعیت برجام بعثت تهدیدهای آمریکا که فرصتی چهار ماهه، تا ماه مه میلادی، به طرف‌های درگیر مسئله داده است، بیشتر از پیش در سایه ابهام قرار می‌گیرد، و امکان تنش در خاورمیانه را در ابعاد قوی تری بشدت بالا می‌برد. برکناری تیلرسون از سوی ترامپ و جایگزین کردن او با مایک پمپئو که مخالف سرسخت برجام بشمار می‌رود، خود نشانه منفی دیگریست.
- در زمینه تجاری هم باید گفت که دولت ترامپ در ادامه دیدگاه‌های ناسیونالیستی خود در مورد اقتصاد، تهدید به وضع تعرفه‌های جدید کرده‌است، که عملاً باعث برانگیختن واکنش‌هایی تند از جانب بویژه اتحادیه اروپا و کانادا شد. اروپا و کانادا تهدید به واکنش متقابل کردند. اما این مانع از عملی کردن تهدیدات ترامپ نشد و این کشور در زمینه فولاد، توانست تعرفه‌های جدیدی وضع کند. متأسفانه هم اکنون عملاً از ترم 'جنگ تجاری' در عرصه بین‌المللی استفاده می‌شود.
- آنچه مشخص است این است که دیوار آرایش کلاسیکی قدرت در عرصه جهانی عملاً ترک برداشته است. آمریکا دیگر از آن جایگاه سابق برخوردار نیست و در زمینه نظامی و تجاری با مشکلات ساختاری مواجه شده است. به همین جهت دولت‌های قدرتمند دیگر وضعیت را مناسب دیده و درصدد تقسیم سferه بر اساس شرایط نوین اند و طرحی دیگر را می‌طلبند.

اینکه جهان می‌تواند آرام آرام بدون جنگ و خونریزی وارد چنین مرحله‌ای شود و با اینکه ظهور آن با جنگ میان قدرت‌های بزرگ همراه خواهد بود، خود بحث مهمی است. ظاهراً وجود سلاح‌های اتمی کماکان از ورود دنیا به جنگ‌های بزرگ جلوگیری می‌کند. اما طرح آمریکا برای ایجاد سلاح‌های اتمی با برد محدود چنانکه بتوان از آن در جنگ‌ها استفاده کرد، خود فاکت مهمی در عدم بازدارندگی ابدی سلاح‌های اتمی است.

اما در مورد آنچه که به کشورمان برمی‌گردد باید گفت که استراتژیست‌های جمهوری اسلامی عملاً بر وضعیت انتقالی دوران کنونی آگاهی دارند، و استراتژی خود را کاملاً بر پایه آن برنامه‌ریزی کرده‌اند. ایران که متوجه ترک برداشتن دیوارهای نظم کهن شده است، چنانکه محمد جواد ظریف در نشست مونیخ عملاً به آن اشاره کرد، درصدد ایجاد یک نظم خاورمیانه‌ای جدید بر اساس مطامع خود است. امری که احتمال آن غیرواقعی است زیرا که علاوه بر ایران، کشورهای قدرتمند دیگر از جمله عربستان به این امر اجازه نخواهند داد، و اگر قرار بر وضعیت نوینی باشد باید در آن منافع کشورهای دیگر هم در نظر گرفته شود. جمهوری اسلامی به تنهایی نخواهد توانست چنین شرایطی را رقم زند.

نیروهای زیادی در این سالها از احتمال برپائی جنگ میان ایران و آمریکا گفته‌اند و در این مورد هشدار داده‌اند، اما جمهوری اسلامی ظاهراً بالا رفتن توان واکنشی قدرت‌های دیگر جهانی در مقابل آمریکا، عملاً به آن توجه جدی میدول نمی‌دارد و بنابراین 'تعرض' را به بخش مهمی از سیاست خارجی خود بویژه در عرصه منطقه‌ای تبدیل کرده‌است.

ابره‌ای جنگ در افق کره زمین متراکم شده‌اند. سخن تنها بر سر بادبست که می‌تواند آنها را بدین سو بیاورد یا نیاورد!

دختر فلسطینی که به سرباز اسرائیلی سیلی زد زندانی می‌شود

رضا کاویانی

عهد تمیمی، دختر نوجوان فلسطینی که ویدئو سیلی زدن او به صورت سرباز اسرائیلی چندی قبل خیرساز شده بود، در ۲۲ ماه مارس سال جاری پس از محاکمه در دادگاه، با قبول اتهامات خود به تحمل هشت ماه زندان و پرداخت حدود ۱۵۰۰ دلار جریمه محکوم شد. فیلمی که در آن دیده می‌شود عهد تمیمی، ۱۷ ساله، همراه دخترعمویش در یک رویارویی با نیروهای اسرائیلی به صورت یک سرباز سیلی می‌زندخبر ساز شد. او در دادگاه با ۱۲ اتهام از جمله حمله به سرباز در لباس نظامی روبرو بود اما در پایان با پذیرفتن چهار فقره از اتهام‌ها تلاش کرد مانع محکومیت سنگین‌تر خود شود. حالا این نوجوان به ۱۲ اتهام در اسرائیل دادگاهی شده است که از جمله آنها حمله و پرتاب سنگ است. بدین ترتیب این دختر ۱۷ ساله که از ماه دسامبر گذشته در بازداشت بود، تا تابستان آینده دوران محکومیت خود را سپری و آزاد خواهد شد.

این دختر جوان در اولین بازجویی‌هایش به دادگاه گفته بود "وقتی که گلوله پلاستیکی سربازان اسرائیلی به سر پسر عموم برخورد کرد، خونم به جوش آمد و به او سیلی زدم!" اما پدر این دختر در گفتگو با یک روزنامه اسرائیلی گفته است "سربازهای اسرائیلی وارد محوطه خانه شدند و شروع به پرتاب گاز اشک‌آور کردند و پنجره‌های خانه را شکستند و از اینکه دخترم به صورت سربازی که به حریم خانه ما وارد شده بود سیلی زد، افتخار می‌کنم!"

خیلی از فلسطینی‌ها حتی غیرفلسطینی‌ها که فیلم را تماشا کردند و بازنشر دادند، عهد تمیمی را به عنوان قهرمان مقاومت در مقابل اشغال اسرائیلی‌ها ستایش کردند. باسم تمیمی، که خودش یک کنش‌گر شناخته‌شده فلسطینی است، در فیس‌بوک خود نوشت، یک گلوله پلاستیکی شلیک شده از سربازان اسرائیلی به صورت پسرعموی ۱۴ ساله عهد اصابت کرده بود. کنشگران فلسطینی واکنش عهد تمیمی را ستایش کرده‌اند ولی خیلی‌ها در اسرائیل خانواده این دختر نوجوان را متهم می‌کنند که از او برای تبلیغات علیه ارتش اسرائیل استفاده می‌کنند. حامیان عهد تمیمی در طوماری اینترنتی توانسته‌اند برای تقاضای آزادی او یک میلیون و ۷۵۰ هزار امضاء جمع کنند.

در ضرورت تشکیل حزب چپ دموکرات و سوسیالیست



بهرورز خلیق

دیگر تحقق امر توسعه پایدار با توجه به شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی و مطالبات آن‌ها، مشروط به تأمین دموکراسی است.

اگر انتخابات سال ۷۶ و جنبش اعتراضی ۸۸ نشان داد که بجهت تحولات ساختاری امر توسعه پایدار در کشور ما با دموکراسی پیوند خورده و دموکراسی مسئله اصلی جامعه ما است، خیزش اعتراضی دیمه‌ماه مشخص ساخت که امر توسعه پایدار و دموکراسی عمیقاً با عدالت اجتماعی درهم آمیخته است و دموکراسی در کشور ما بدون غلبه بر فقر، بیکاری و کاهش فاصله طبقاتی پایدار نخواهد بود.

این دریافت - پیوند دموکراسی و عدالت اجتماعی - نه یک امر ذهنی و خواست و تمایل این یا آن جریان سیاسی، بلکه امر عینی و برخاسته از تغییرات اجتماعی و طبقاتی و مطالبات طبقات و گروه‌های اجتماعی است.

ضرورت تشکیل حزب چپ دموکرات و سوسیالیست

چنانچه گفته شد تحولات ساختاری در طی دهه‌های گذشته مسئله دموکراسی و عدالت اجتماعی را در دستور قرار داده است. توسعه پایدار در کشور ما با توجه به تحولات جمعیتی و اجتماعی بدون دموکراسی با موانع جدی مواجه می‌شود و بدون تأمین عدالت اجتماعی به تلاطمات اجتماعی برمی‌خورد و تنش‌ها رو بگسترش می‌گذارد. عدالت اجتماعی نیز بدون رشد اقتصادی به توزیع فقر منجر می‌گردد و در فقدان دموکراسی به توتالیتریسم منتهی می‌شود. شرط مقدم پیشبرد امر توسعه پایدار، استقرار دموکراسی و تأمین عدالت اجتماعی در کشور است. درک این مسئله در شرایط کنونی جامعه، از اهمیت زیادی برخوردار است.

جامعه ما نیازمند وجود نیروی سیاسی قدرتمندی است که از توسعه پایدار، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی دفاع کند و برنامه خود را بر پایه مولفه‌های فوق تنظیم نماید. نیروی چپ و به ویژه چپ دموکرات و سوسیالیست از چنین توانائی بالقوه برخوردار است.

در فقدان نیروی سیاسی قدرتمند چپ دموکرات و سوسیالیست، شعار عدالت اجتماعی با توجه به فقر گسترده، بیکاری وسیع و شکاف طبقاتی، به دست نیروهای پوپولیست و راست افراطی خواهد افتاد که از آن بصورت فریبکارانه بهره گرفته و به خدمت اهداف خود در خواهند آورد. امروز شکل‌گیری و حضور حزب چپ قوی و موثر به یک امر میرم و ضرور جامعه ما تبدیل شده است.

در پاسخگویی به این ضرورت، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ و جمعی از کنشگران چپ تصمیم گرفته‌اند که وحدت کنند و تشکل واحدی را به وجود بیاورند. امید است این وحدت بتواند در تقویت و نیرومند شدن چپ موثر افتد.

دلالی و واسطه‌گری بوده است. این لایه‌ها عمدتاً از درون حکومت و یا در زدوبند با حکومتیان پدید آمده‌اند.

در مقابل انباشت ثروت‌های بیکران در دست لایه نازکی از جامعه و نوریسیدگان، گروه‌های کم‌درآمد جامعه شدیداً متورم شده، فقر گسترش یافته و شکاف طبقاتی بطور بی‌سابقه‌ای تعمیق یافته است. به گفته اقتصاددانان حداقل ۲۰ میلیون نفر از جمعیت ایران زیر خط فقر هستند. آمارها نشان می‌دهد درآمد پنج دهک نخست خانوارهای کارگری ایران کمتر از حداقل دستمزد اعلام شده است. ۷۰ درصد کارگران و بازنشستگان حداقل دستمزد را می‌گیرند و زیر خط فقر قرار دارند. گزارش مرکز آمار ایران از نرخ بیکاری در بهار سال جاری، نشان می‌دهد که ۱۲٫۶ درصد از جمعیت فعال بالقوه در ایران بیکار هستند. جمعیت بیکاران ۱۵ تا ۲۴ ساله ۲۸٫۸ درصد است. هرساله یک میلیون نفر وارد بازار کار می‌شوند. در حالی که دولت در بهترین حالت نمی‌تواند سالانه بیش از ۵۰۰ هزار شغل ایجاد کند.

براساس آمار بانک مرکزی در سال ۹۵ هزینه ناخالص ثروتمندترین گروه‌های اجتماعی کشور ۱۵ برابر گروه‌های پایین جامعه بوده است. ضریب جینی در همین سال، به رقم بی‌سابقه ۰٫۳۹ رسیده است.

خیزش اعتراضی مردم

اگر از خواست مردم برای تأمین حق رای خود جنبش اعتراضی سال ۸۸ برخاست و چندین ماه حکومت ایران را در خیابان‌ها به چالش کشید و برصحنه سیاسی کشور تأثیر جدی گذاشت، خیزش اعتراضی دیمه‌ماه نشان داد که مسئله فقر، بیکاری و شکاف طبقاتی یکی از مسائل اصلی جامعه است. خیزش اعتراضی مردم به تغییر ساختارهای اجتماعی و طبقاتی در طی دهه‌های گذشته، در خصلت رانتیر و حامی‌پروری حکومت و سیاست‌های نتولیبرالی اقتصادی ریشه دارد. به جهت رشد جمعیت کشور، سرریز شدن دهقانان به سوی شهرها و به فلاکت نشانده شدن بخشی از گروه‌های اجتماعی بخاطر سیاست‌های تعدیل اقتصادی بعد از جنگ، بر میزان تهیدستان جامعه، حاشیه نشین‌ها و خانه بدوش‌ها افزوده شده است. از سوی دیگر گروه‌های جدیدی از جامعه که بخشی از آنها در سابق جزو لایه‌های میانی به حساب می‌آمدند، به سوی لایه‌های پائین جامعه رانده شده‌اند. مهمترین این گروه‌های اجتماعی، کارمندان دولت، معلمان و بازنشستگان هستند.

نوسعه پایدار، دموکراسی و عدالت اجتماعی

جنبش اصلاحات و جنبش اعتراضی سال ۸۸ مشخص کرد که دگرگونی ساختاری در طی دهه‌های گذشته، دموکراسی را به مسئله اصلی جامعه ما تبدیل نموده و این امر را مدلل کرده است که در کشور ما، امر توسعه پایدار با دموکراسی درآمیخته است. به بیان

انتخابات، خیزش‌ها و جنبش‌های اجتماعی در کشور ما به شکل بارزی مسائل کلیدی جامعه ما را باز می‌نمایند. انتخابات در کشور ما دموکراتیک نیست، با این وجود به جهت مسدود بودن کانال‌های دیگر تبارز مطالبات گروه‌های مختلف اجتماعی، انتخابات غیردموکراتیک همانند انتخابات ریاست جمهوری در سال ۷۶، ۸۴ و ۸۸ به محل بروز مسائل کلیدی کشور تبدیل می‌شود و آنچه در پافت‌های زیرین جامعه جریان دارد، به رو می‌آید.

دوم خرداد ۷۶ و برآمدن جریان اصلاح طلب از آن، ریشه در تغییرات ساختار جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ما داشت که با کاندیدا شدن محمد خاتمی فوراً کرد و مجال بروز پیدا نمود. دوم خرداد پدیده‌ای خلق‌الساعه و یا مولود رهبری خاتمی و یا کار مستمر و سازمان یافته اصلاح طلبان نبود، بلکه در اساس از بطن تحولات ساختاری برآمده بود. تحول در ترکیب جمعیت و شکل‌گیری جامعه‌ای جوان، ظهور نیروی عظیم و دگرگون‌ساز نسل جدید، رشد شهرگرانی و گذر ایران از یک کشور نیمه‌شهری به جامعه‌ای بطور عمده شهری، افزایش قابل توجه با سوادان و تحول از جامعه‌ای نیمه با سواد به جامعه‌ای با سواد، افزایش سریع تحصیل‌کردگان و روشنفکران، افزایش حجم طبقه متوسط، از جمله آن‌ها است.

اگر محمد خاتمی در انتخابات سال ۷۶ با طرح توسعه سیاسی و جامعه مدنی توانست آرای لایه‌های متوسط جامعه، جوانان، دانشجویان و زنان را اخذ کند، محمود احمدی نژاد در انتخابات سال ۸۴ با طرح شعار "پول نفت برسر سفره‌ها" و با نشان دادن هم‌رنگی با لایه‌های پائین جامعه، قادر شد نظر مساعد بخشی از آنها را جلب نماید. در حقیقت بخشی از محرومان جامعه در مقابل رفسنجانی که سبب قدرت و ثروت بود، به کسی رای دادند که فریب‌کارانه وعده می‌داد پول نفت را سرسفره‌ها خواهد آورد. در این انتخابات شکاف طبقاتی، فقر و فلاکت محرومان جامعه با تمام وجود خود را نمایاند و در فقدان حضور جریان چپ، احمدی نژاد شعار عدالت اجتماعی را ربود و حمایت بخشی از گروه‌های کم درآمد جامعه را به دست آورد.

فقر، بیکاری و شکاف طبقاتی

احرای سیاست‌های اقتصادی نتولیبرالی طی سه دهه گذشته از یکسو و از سوی دیگر، عملکرد حکومت رانتیر و حامی‌پرور جمهوری اسلامی، بسترساز تمرکز ثروت بیکران در دست لایه نازکی از جامعه و انباشت فقر در بین گروه‌های وسیعی از مردم گشته است. در این مدت لایه‌های جدیدی از سرمایه‌داران شکل گرفته و به ثروت‌های بی‌سابقه در تاریخ ایران دست یافته‌اند. منشا ثروت آنها از قبل درآمد نفت، رانت حکومتی، فساد و کارهای

سند سیاسی

اوضاع سیاسی کشور و سیاست های ما

تداوم و تشدید تحریمهای اقتصادی توسط دولت آمریکا بر اقتصاد کشور تاثیرات مخربی گذاشته است. تمرکز آمریکا بر روی برنامه موشکی جمهوری اسلامی و تمایل ضمنی اروپا به بازکردن چین پرونده ای، می تواند گشایش محدود بعد از برجام را کاملاً منتفی سازد. فشارهای منطقه ای و بین المللی همراه با تحریمهای اقتصادی به عنوان یک پارامتر مهم، بحرانهای داخل کشور را تشدید و پر شکنندگی جمهوری اسلامی و ناپایداری آن می افزاید.

مردم به خصوص در روزهای اول نقش مهم داشتند. خیزش مردم مطالبات اقتصادی را به سطح سیاسی کشاند و آزادی را با عدالت اجتماعی پیوند زد. اعتراضات مردم علیه جمهوری اسلامی، روحانیت، ولایت فقیه، علی خامنه ای و حسن روحانی بود. بنا به آمارهای رسمی ۷۵ درصد مردم از وضع موجود ناراضی اند، به جمهوری اسلامی بی اعتمادند و خواهان تغییر وضعیت موجودند.



بعد از انتشار سند سیاسی، گروه کار موضع گیری سیاسی با در نظر داشت پیشنهاد های دریافتی، دوباره روی سند سیاسی کار کرد. اکنون نسخه جدید در اختیار شماست. پیشنهادهایی که پذیرفته نشده و یا در گروه برسر آن نظر یکسانی وجود ندارد، در زیر سند سیاسی آمده است. گروه کار موضع گیری سیاسی ۲۳ مارس ۲۰۱۸

اوضاع سیاسی کشور

جمهوری اسلامی با بحرانها و شکافهای اجتماعی متعدد و حادی روبرو است. بحرانهای مزمن آن استمرار یافته و شکافهای اجتماعی فعال شده اند. جمهوری اسلامی با بحران مشروعیت، بحران کارآمدی، بحران ایدئولوژیک و رهبری و چالش جریانهای درون خود مواجه است. اکثر منابع اقتدار جمهوری اسلامی در وضعیت بحرانی قرار دارد. این حکومت در اساس با تکیه به ارگانهای نظامی، امنیتی - اطلاعاتی، تبلیغاتی، پایگاه محدود اجتماعی و درآمد نفت به سلطه خود ادامه می دهد. وضعیت جمهوری اسلامی ناپایدار و شکننده تر شده و نارضایتی مردم از حکومت گسترده تر گشته و کشور وارد فرآیند بحران سیاسی گردیده است.

ساختار سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی راه اصلاحات را مسدود کرده است. برون رفت از وضعیت بحرانی کشور و خروج از بن بست، مستلزم تغییرات اساسی در ساختارهای سیاسی و تغییر قانون اساسی است

خیزش اعتراضی مردم در دی ماه ۹۶ تجلی همین شرایط بحرانی بود. خیزشی که صحنه سیاسی کشور را دگرگون کرد. خیزش مردم بدون رهبری با ابتکار اقدام جمعی اما مستقل در بیش از ۸۰ شهر کشور شکل گرفت. شبکه های اجتماعی و تلفن های هوشمند در گسترش اعتراضات

کشور ما با ابرچالشهای متعددی در حوزه اقتصادی روبرو است: رکود اقتصادی و بحران واحدهای تولیدی، بحران منابع آب کشور، مسائل محیط زیست، فقر، بیکاری، شکاف طبقاتی، ورشستگی صندوق های بازنشستگی، نظام بانکی، کسری عظیم بودجه دولت و حجم عظیم دستگاه دولتی. وضعیت زندگی گروه های وسیعی از مردم به ویژه کارگران و مزدبگیران بر اثر بحران اقتصادی و سیاست های نتولیرالی دولت روحانی وخیم تر شده، لایه های میانی جامعه تجزیه شده و گروه های وسیعی از آنها به سوی لایه های پائین سوق یافته و بر حجم تهیدستان کشور افزوده شده است. لایه نازکی از جامعه به ثروت های افسانه ای دست یافته، فاصله فقر و ثروت به شدت رو به افزایش گذاشته و شکاف طبقاتی عمق بی سابقه ای پیدا کرده است. جمهوری اسلامی نمی تواند بر بحران اقتصادی غلبه کند. غلبه بر بحران اقتصادی در کشور ما در گرو تغییر ساختار سیاسی کشور است. اقتصاد پاشنه آشیل جمهوری اسلامی است.

ما علیه قوانین ضد زن، تبعیض جنسیتی جمهوری اسلامی و فرهنگ مردسالاری و برای تأمین برابر حقوقی زنان با مردان تلاش می کنیم. مبارزه زنان علیه حجاب اجباری وارد فاز نویی شده است. ما پشتیبان این حرکت و جنبش زنان هستیم

وضعیت سیاسی کشور ما در حال حاضر از چالشهای منطقه متأثر است. خاورمیانه به کانون چالش و رقابت قدرت های جهانی و منطقه ای تبدیل شده است. جمهوری اسلامی تحت فشار شدید در سطح منطقه و جهان قرار دارد. از یکسو سیاست های توسعه طلبانه و ماجراجویانه جمهوری اسلامی در منطقه و دشمنی دیرینه آن با اسرائیل و آمریکا و از سوی دیگر سیاست های خصمانه دولت آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی نسبت به جمهوری اسلامی، کشور ما را با خطرات بزرگی مواجه ساخته است. خطر رودروئی، روز بروز افزایش می یابد.

خیزش اعتراضی مردم در دی ماه گذشته عمیقاً خصلت طبقاتی داشت. این خیزش بار دیگر نشان داد که پیوند کار، نان و آزادی ضرورت امروز جامعه ما است و می تواند به یک جریان و گفتمان نیرومند تبدیل شود و چپ دموکرات و سوسیالیست باورمند به پیوند آزادی و عدالت اجتماعی در آن قویاً نقش ایفاء کند

جمهوری اسلامی سد راه هر نوع تغییر مثبت بنیادین در کشور ماست و به جهت ساختار و ترکیب قدرت حاکم و عملکرد مخرب خود طی چهار دهه گذشته، با وضعیت بن بست مواجه است. ساختار سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی راه اصلاحات را مسدود کرده است. برون رفت از وضعیت بحرانی کشور و خروج از بن بست، مستلزم تغییرات اساسی در ساختارهای سیاسی و تغییر قانون اساسی است. اما بلوک قدرت به رهبری علی خامنه ای تن دادن به تغییر و رفرم را پایان کار خود می بیند و همچنان به مشیت آهنین متوسل می شود. تداوم وضع وجود، بحرانهای کنونی حکومت را تشدید کرده و می تواند به فروپاشی آن بیانجامد. رویکرد ما در شرایط کنونی از یکسو ارائه طرح سیاسی برای گذار به دموکراسی با حداقل هزینه و از سوی دیگر ارائه سیاست های عملی برای زمینه سازی چنین گذاری است.

سیاست های ما

گذار به دموکراسی و طرح پیشنهادی ما

- گفتمان گذار از جمهوری اسلامی و دستیابی به دموکراسی با توجه به بحران سیاسی کشور، جای خود را در صحنه سیاسی کشور باز کرده است. ضروری است نیروهای آزادیخواه و دموکرات برای مدیریت گذار دموکراتیک طرح و برنامه داشته باشند. برای گذار از جمهوری اسلامی به دموکراسی با حداقل هزینه، جلوگیری از فروپاشی کشور و جنگ داخلی، ارائه طرح سیاسی و همکاری و اتحاد نیروهای جمهوریخواه دموکرات و سکولار به امر تاخیرناپذیر تبدیل شده است....

سند سیاسی ...

ادامه از صفحه ۷

ما برای همکاری و اتحاد نیروهای جمهوریخواه، دموکرات و سکولار و پیوند یافتن آن با خیزش اعتراضی مردم تلاش می‌کنیم. برای گذار به دموکراسی لازم است نیروهای سیاسی کشور روی پرنسیپ‌های دموکراتیک، برگزاری مجلس موسسان برای تدوین قانون اساسی و قضاوت صندوق رای توافق کنند.

- گذار به دموکراسی به اتکای جنبش فراگیر و نیرومند و نافرمانی گسترده ممکن است. سیاست ما تقویت خیزش اعتراضی مردم، پیوند خوردن آن با سایر جنبش‌های اجتماعی و فرارویاندن آن به جنبش سراسری و قدرتمند است. تغییر در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مستلزم پیوند خوردن خیزش تهیدستان با طبقه کارگر و طبقه متوسط جدید و اعتصابات سراسری کارگران، معلمان و کارمندان با اعتراضات خیابانی است. ما برای تحقق چنین پیوندی تلاش می‌کنیم.

- دخالت دولت‌های خارجی برای تغییر رژیم ایران، همانند عراق می‌تواند به جنگ داخلی و جان گرفتن جریانی مثل داعش بر بستر زمینه‌های مساعد منجر گردد. آزادی و دموکراسی از خارج توسط دولت‌های دیگر و با تحریم‌های فلج‌کننده در کشور ما پا نمی‌گیرد. دموکراسی امری درون‌زا و هم‌از اینرو جایگزینی جمهوری اسلامی با جمهوری دموکراتیک و سکولار، کار مردم ایران است و با اتکاء به نیروها و نهادهای دموکراتیک می‌تواند تحقق یابد. ما مخالف آلترناتیوسازی توسط دولت‌های خارجی و اتکاء اپوزیسیون به آن‌ها برای گذار از جمهوری اسلامی به دموکراسی هستیم.

- خیزش اعتراضی مردم در دی ماه گذشته عمیقاً خصلت طبقاتی داشت. این خیزش بار دیگر نشان داد که پیوند کار، نان و آزادی ضرورت امروز جامعه ما است و می‌تواند به یک جریان و گفتمان نیرومند تبدیل شود و چپ دموکرات و سوسیالیست باورمند به پیوند آزادی و عدالت اجتماعی در آن قویاً نقش ایفاء کند. از این رو حضور متشکل چپ دموکرات و سوسیالیست در صحنه سیاسی کشور به امر تاخیرناپذیر تبدیل شده است. ما بر تقویت حضور چپ در صحنه سیاسی کشور و در این راستا بر همکاری و اتحاد نیروهای چپ کشورمان تأکید داریم.

تمرکز مبارزه علیه ولایت فقیه

قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی عمدتاً در دست ولی فقیه و بیت وی، نظامی - امنیتی‌ها، روحانیون حکومتی و راست افراطی متمرکز شده است که در راس آن ولی فقیه قرار دارد. این بلوک مانع اصلی تغییر سیاست‌های کشور در عرصه داخلی و خارجی است. در گذار از استبداد به دموکراسی، سمت اصلی مبارزه ما علیه بلوک قدرت و در راس آن ولی فقیه و ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه است.

در باره اصلاح طلبان

موقعیت اصلاح طلبان حکومتی به جهت اتخاذ مواضع محافظه کارانه طی سال‌های

گذشته، حمایت یک جانبه از حسن روحانی و موضع گیری مقابله جویانه گروهی از آن‌ها با خیزش اعتراضی مردم از یکسو و از سوی دیگر به خاطر بن‌بست راهبرد اصلاح طلبی در جمهوری اسلامی، تضعیف و از پایگاه اجتماعی آن‌ها کاسته شده است. رویکرد بخشی از اصلاح طلبان، حفظ و بسط موقعیت خود در جمهوری اسلامی است. اصلاح طلبان حکومتی روند تجزیه میان محافظه کاری و تحول طلبی را طی می‌کنند. موضع ما در مورد این جریان نقد نگاه و مواضع آن‌ها است. ما از روند تجزیه در صفوف اصلاح طلبان به سود تحول طلبی استقبال می‌کنیم.

آزادی‌های سیاسی

ما خواهان تامین و تضمین آزادی بیان، اندیشه، مطبوعات، گردش آزادانه اطلاعات و اجتماعات هستیم و از مبارزه نویسندگان، هنرمندان و روزنامه نگاران علیه سانسور دفاع می‌کنیم.

علیه فساد

فساد و رانت خواری در رژیم جمهوری اسلامی ساختاری است. مبارزه علیه رانت خواری و فساد نیازمند شفاف سازی فعالیت‌های اقتصادی، رسانه‌های آزاد و فراهم آوردن امکان نظارت رسانه‌ها و اتحادیه‌ها، مجامع صنفی و سازمان‌های غیردولتی بر فعالیت‌های اقتصادی حکومت و مسئولان آن است. اما استبداد حاکم همه این منافذ را بسته است.

دفاع از جنبش کارگری و مزدبگیران

ما همراه و پشتیبان مبارزات کارگران برای قانونی شناختن سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل کارگران، افزایش و پرداخت به موقع دستمزد کارگران، شمولیت یافتن قانون کار به همه کارگران، ممنوعیت کار کودکان و لغو قراردادهای موقت در مشاغلی که ماهیت مستمر دارند، ایجاد اشتغال، قرار گرفتن همه کارگران تحت پوشش تامین اجتماعی و آزادی کارگران زندانی هستیم. ما از مطالبات و مبارزات آموزگاران، بازنشستگان، کارمندان و پرستاران حمایت می‌کنیم.

مبارزه با تبعیض جنسیتی

ما علیه قوانین ضد زن، تبعیض جنسیتی جمهوری اسلامی و فرهنگ مردسالاری و برای تامین برابرقوی زنان با مردان تلاش می‌کنیم. مبارزه زنان علیه حجاب اجباری وارد فاز نوینی شده است. ما پشتیبان این حرکت و جنبش زنان هستیم.

حمایت از مبارزات دانشجویان

هنوز اختناق برفضای دانشگاه‌های کشور حاکم است. ما خواهان تامین استقلال دانشگاه‌ها و باز شدن فضا برای فعالیت‌های صنفی و سیاسی در دانشگاه‌ها و تشکیل نهادهای صنفی و مدنی هستیم و از مبارزات دانشجویان برای تامین آزادی، عدالت اجتماعی و استقرار دموکراسی در کشور حمایت می‌کنیم.

وخامت وضع محیط زیست

وضعیت محیط زیست در کشور ما به شدت وخیم و بحران خشکسالی و کم‌آبی فاجعه بار شده است. لازم است با تدوین مقررات لازم و انجام اقدامات ضرور جلوی آلودگی هوا، نابودی جنگل‌ها و مراتع، خشک شدن تالاب‌ها و

دریاچه‌ها گرفته شود. استفاده بهینه از انرژی و کاهش پخش مواد آلوده‌زا و بر پایه استانداردهای زیست محیطی تشویق و برنامه‌ریزی گردد.

علیه تبعیض ملی، قومی و مذهبی

حقوق ملیت‌ها، اقوام و اقلیت‌های مذهبی در جمهوری اسلامی به شدت نقض می‌شود. ما بر تامین حقوق ملی، قومی و برابر حقوقی شهروندان بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های ملی، قومی، زبانی، مذهبی و شیوه‌های زندگی فردی هستیم و بر عدم تمرکز و ضرورت اداره امور هر منطقه به دست ساکنان آن و آموزش به زبان مادری تأکید داریم. تبعیض مذهبی علیه سنی‌ها، بهایی‌ها، دراویش، مسیحی‌ها و یهودی‌ها و ... باید بی درنگ متوقف شود.

علیه سیاست‌های جنگ طلبانه و توسعه طلبانه در منطقه

- ما مخالف سیاست‌های جنگ طلبانه دولت آمریکا، اسرائیل و عربستان در خاورمیانه هستیم و از گفتگو و مذاکره برای پایان دادن به جنگ، استقرار صلح و ثبات در منطقه، از شکل‌گیری منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی، از تامین حقوق بشر، دموکراتیزاسیون و سکولاریزه کردن ساختارهای سیاسی و اجتماعی، همکاری‌های اقتصادی و سمت‌گیری برای ایجاد بازار مشترک و بهره‌گیری از ثروت نفت در خدمت رشد اقتصادی، رفاه و عدالت اجتماعی با درنظرداشت حفظ محیط زیست دفاع می‌کنیم.

- جمهوری اسلامی با حضور نظامی و مداخله در کشورهای منطقه، به‌ویژه در سوریه، هزینه سنگینی را بر میهن ما تحمیل کرده است. اصرار سران رژیم بر تداوم این حضور در شرایط پرمخاطره منطقه، کشور ما را با مخاطرات بیشتری مواجه خواهد ساخت. ما خواهان پایان دادن به مشی ماجراجویانه، صدور "انقلاب اسلامی"، سیاست‌های تنش‌زا و توسعه طلبانه جمهوری اسلامی در منطقه و خروج جمهوری اسلامی از عراق، یمن و به‌ویژه سوریه هستیم. منافع ملی ما در گرو تامین صلح در منطقه است. ما نیروهای آزادیخواه کشور را برای اعمال فشار به رژیم ایران برای خروج از این کشورها فرا می‌خوانیم.

نظرات و پیشنهادها

۱. در مورد رفاندوم نظرات متفاوتی در گروه کار موضع‌گیری سیاسی وجود دارد. نظری تأکید دارد که در بخش سیاست‌های ما در بند "گذار به دموکراسی و طرح پیشنهادی ما" رفاندوم برای تغییر قانون اساسی به عنوان طرح پیشنهادی ما گنجانده شود. نظر دیگر موافق آن نیست. پیشنهاد ارائه شده: " طرح پیشنهادی ما برگزاری رفاندوم برای تغییر قانون اساسی و تشکیل مجلس موسسان است."

۲. در موضوع "علیه تبعیض ملی، قومی و مذهبی" - پیشنهاد شده است که به جای "مورد آموزش به زبان مادری" نوشته شود: "آموزش زبان مادری."

آقای روحانی؛ دوران عوام فریبی به سر رسیده است!

در آستانه نوروز در شرایطی که هنوز صدها هزار نفر کارگر دستمزد های چند ماه گذشته شان را دریافت نکرده‌اند و دولت و کارفرمایان از افزایش دستمزد کارگران طفره می روند و در حالی که بازار بگیر و ببند و کشتار مبارزان آزادی خواه در زندان ها داغ تر از همیشه است، آقای رئیس جمهور بدون این که به روی مبارک شان بیاورند که در مملکت چه می گذرد، بار دیگر صحبت از حق اعتراض و شنیدن صدای مردم معترض می گوید!

البته این صحبت ها تازگی ندارند و به دفعات مردم آن را از زبان آقای روحانی که در فن سخن و روی و دادن وعده های توخالی مهارت کم نظیری پیدا کرده‌اند، شنیده‌اند و در بدو امر هم عده زیادی به حرف های زیبای وی دل خوش داشته‌اند، اما از بس که این حرف های قشنگ تکرار شده و صرفا در حد حرف باقی مانده‌اند، امروزه دیگر کسی فریب آنها را نمی خورد.

موج کم سابقه‌ای از اعتراض های مسالمت آمیز مردمی مدت هاست که سراسر کشور را در بر گرفته که حکایت از ناراضی گسترده گروه‌های اجتماعی مختلف از روی کردهای حکومت و دولت و وضعیت اسفبار کشور دارد. همه گروه ها و اقشار جامعه به استثنای وابستگان به حکومت، جیره خواران، رانت خواران و غارت گران، به نحوی از انجا ناراضی اند و به رغم وجود جو ارباب و سرکوب و انواع تهدیدات از هر فرصتی برای اعلام ناراضی و مخالف شان به اشکال گوناگون بهره می گیرند.

به اعتباری ملتی در مقابل حکومت قد علم کرده است که خواهان تغییر و تحول هستند و با دادن وعده‌های توخالی نمی شود آرام شان کرد و این ها مسائلی نیستند که خود روحانی و خامنه‌ای آن را ندانند. با این وصف اما دولت مردان نه هیچ اعتراض مسالمت آمیزی را تاب می آورند و نه گوش شان شنوای صدای اعتراض ها است.

در زندان های قرون وسطایی جوانان بی گناه و معترض را زیر شکنجه های وحشانه به قتل می رسانند، معترضان به فاجع زیست محیطی و تلاش گران دل سوز این عرصه را بازداشت و به قتل می رسانند، کشاورز اصفهانی را به خاطر شرکت در یک تظاهرات با تفنگ ساچمه‌ای کور می کنند، کارگران خوزستانی در این استان زرخیز را به دلیل طلب دستمزدهای معوقه شان به محاکمه می کشند و محکوم به زندان می کنند، معلم را به شکلی وحشیانه از سر کلاس بازداشت و به زندان می برند، مال باختگان را بخاطر طلب اندوخته شان سرکوب می کنند، زنان و دختران این سرزمین را به دلیل اعتراض به حجاب اجباری به زندان می اندازند و به آن ها هتاک می کنند، ولی تا کنون کسی ندیده و نشنیده که آقای روحانی که در ظاهر مخالف برخی از این اقدامات است و سعی می کند خرج خودش را از بقیه حکومت جدا کند، اعتراضی به این اقدامات بنماید و یا تلاشی برای متوقف کردن این اعمال ددمنشانه انجام دهد.

بعضا گفته می شود که گویا همه این اقدام ها تنها توسط جناح های رقیب و مخالف دولت انجام می شود و وضعیت اسفبار کشور و مردم نتیجه عمل کرد آنهاست. ولی شواهد موجود این ادعا را بی اعتبار می کند. این درست است که در حکومت بر سر نحوه برخورد با پاره‌ای مسائل و اعتراض ها اختلاف نظر وجود دارد، ولی روحانی و طرفدارانش نیز در ایجاد این شرایط و سرکوب ها سهم خاص خودشان را دارند و به تبع آن نمی توانند با موارد زیادی از سرکوب ها مخالفت ورزند. به طور مثال اعتراض های کارگری ریشه در سیاست ها و عمل کرد دولت دارند، مشکلات کشاورزان، بازنشستگان، مال باختگان، بخشا متأثر از سیاست های دولت است. در مواردی مانند مجازات زنان معترض به حجاب اجباری، قتل ها و دیگر اعمالی که در زندان ها صورت می گیرد، دولت اقدامی انجام نداده و نمی دهد و رسالتی برای خود قائل نیست.

افزایش فزاینده اعتراض ها گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه نشان می دهند که وضع موجود غیر قابل دوام است و دوران سرگرم کردن مردم با وعده‌های قشنگ و سرکوب به سر آمده و مردم خواهان رسیدگی عملی به مطالبات شان هستند و به چیزی کمتر از تغییر و تحول اساسی در وضعیت کشور راضی نمی شوند.

مناسبات ایران و هند ...

ادامه از صفحه ۱۵

ساخت یک شهر جدید در کنار چابهار در دستور کار قرار گرفته است. پیشرفت درست و بهنگام برنامه ها می تواند به امر توسعه ی استان سیستان و بلوچستان و فقر زدایی این بخش از ایران یاری رساند. سامان یابی پروژه توسعه چابهار با همکاری هند به بالا رفتن جایگاه استراتژیک و اقتصادی ایران در آسیای غربی می انجامد. از این رهگذر بندر چابهار رقیبی برای بندر گوادر پاکستان می شود که در فاصله ۱۷۰ کیلومتری آن قرار دارد و چینی ها تاکنون میلیاردها دلار در آن به عنوان یکی ازمرکزهای مهم جاده ابریشم جدید سرمایه گذاری کرده اند. بندر گوادر به عنوان یک بندر استراتژیک برای هر دو کشور چین و پاکستان از اهمیت بسیاری برخوردار است.

همکاری ایران با هند می تواند در چارچوب یک سیاست موازنه مثبت ارزیابی گردد و از باج دهی های جمهوری اسلامی به چین از جیب ملت ایران به سبب تحریم ها و پیامدهای پسا برجامی آن بکاهد بی آنکه دو کشور چین و ایران را روبروی یکدیگر قرار دهد و به برقراری مسیر چین، ایران، اروپا به عنوان یکی از دوشاخه ی اصلی جاده ابریشم جدید که برای منافع ملی ایران بسیار مهم است، آسیبی وارد آورد. شاخه دیگر جاده ی مهم و استراتژیک ابریشم جدید از روسیه می گذرد و کمی هم طولانی تر است.

همواره باید بهره گیری از موقعیت مهم جغرافیایی ایران را برای برقراری مناسبات بهتر با دیگر کشور های منطقه و قدرت های بزرگ جهانی در نظر داشت و از آن برای بهبود و گسترش مناسبات با همه ی کشورهای جهان از جمله آمریکا سود جست و از دامنه اختلاف ها و درگیری ها کاست. جنگ سرد د بریست که به پایان رسیده است و آغاز احتمالی جنگ سرد جدید هم در شرایط جهانی کاملا دگرگون شده ای جریان خواهد یافت که راه کارها و سیاست ورزی های مناسب روز را خواهد طلبید.

گسترش مناسبات اقتصادی ایران و هند و افغانستان و آسیای میانه و قفقاز و ترکیه با استفاده از امکانات بندر بسیار مهم چابهار از دیدگاه راهبردی می تواند به نفع مردم ایران تمام گردد، جدا از اینکه چه حکومتی بر سر کار باشد زیرا این همکاری ها به کاهش تنش ها در منطقه ی آشوب زده ی ما و به رشد و توسعه اقتصادی ایران و منطقه یاری می رساند.

پیرامون منشور "دیدگاه و ارزش‌ها، گذار به دموکراسی" و منشورهای ارائه شده

رفقا و دوستان عزیز!

کنگره مشترک سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ و کنشگران چپ در روزهای ۱۰ تا ۱۲ فروردین (۲۰ مارس تا ۱ آوریل ۲۰۱۸) برگزار می‌شود. این سه جریان می‌خواهند سازمان واحدی را تشکیل دهند. چند موضوع در دست کار کنگره قرار دارد. منشور یکی از موضوعات در دستور کنگره مشترک است.

در تارنمای "به پیش" در تاریخ ۲۰ نوامبر ۲۰۱۷، "پیش‌نویس منشور" انتشار یافت. با انتشار آن، نظرات و پیشنهادهای زیادی در رابطه با "پیش‌نویس منشور" در درون و بیرون از سه جریان ارائه گردید. نظرات و پیشنهادهای در کمیسیون گروه کار منشور و در جلسات گروه کار مورد بحث و بررسی قرار گرفت و موارد قابل توجهی از آن وارد "پیش‌نویس منشور" گردید و عنوان آن به "دیدگاه و ارزش‌ها، گذار به دموکراسی" تغییر یافت.

پیشنهاد ارائه شده در گروه کار منشور که وارد متن نشده، در زیر متن منشور "دیدگاه و ارزش‌ها، گذار به دموکراسی" آمده است. در این مدت منشورهای زیر در اختیار گروه کار منشور قرار گرفته است:

۱. کیستی و باورهای بنیادین "سازمان نویناد"

۲. به سوی حزب

۳. طرح منشور برای چپ سوسیالیستی، عدالتخواه و دموکراسی خواه

این منشورها انتشار بیرونی یافته است. تلاش براین است که اشتراکات و اختلافات در منشورهای که سمت‌گیری یکسانی دارند، مشخص و در صورت امکان سند واحدی از آنها تهیه و به کنگره ارائه گردد.

گروه کار منشور

۲۰ مارس ۲۰۱۸

دیدگاه و ارزش‌ها، گذار به دموکراسی

کشور ما نیازمند تحول دموکراتیک در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و توسعه پایدار است. توسعه پایدار مستلزم تامین آزادی و استقرار دموکراسی، غلبه بر فقر و بیکاری و کاهش فاصله طبقاتی است. ما - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران (طرفداران وحدت چپ) و کنشگران چپ - در پاسخ به این الزامات، تشکل چپ دموکرات و سوسیالیستی را پی می‌ریزیم.

دیدگاه و ارزش‌های ما

۱. صلح، آزادی، برابری، عدالت اجتماعی، همبستگی، دموکراسی، برابر حقوقی زن و مرد، تنوع سبک زندگی، رفع تبعیض‌های طبقاتی، ملی - قومی و مذهبی و حفظ محیط زیست، از اصول پایه‌ای برنامه و جزو ارزش‌های ما هستند. ما از حقوق، منافع و مطالبات کارگران، مزدبگیران و تهیدستان در مقابل تعرض سرمایه دفاع می‌کنیم.

۲. ما طرفدار دموکراسی و مخالف هر گونه استبداد و دیکتاتوری هستیم و حاکمیت را ناشی از اراده آزاد مردم و برای مردم می‌دانیم، به رای و انتخاب آزادانه مردم، به حاکمیت قانون، به محدودیت زمانی قدرت و پلورالیسم سیاسی پای بندیم. ما برای تعمیق و گسترش دموکراسی انتخابی به دموکراسی مشارکتی و مستقیم در اشکال مختلف از جمله خودگرانی و خودمدیریتی مبارزه می‌کنیم.

۳. ما جزئی از جنبش چپ هستیم و ضمن ارج گذاری بر دستاوردهایش، با نقد نظری و تجربی این جنبش، به این باور رسیده‌ایم که سوسیالیسم و دموکراسی در هم تنیده‌اند. سوسیالیسم مورد نظر ما محصول روندی است آگاهانه برای دستیابی به جامعه مطلوب و انسانی که به مثابه یک فرآیند با ایجاد و گسترش ارزش‌های سوسیالیستی و مشارکت نیروهای باورمند به این ارزش‌ها، شکل می‌گیرد.

سرمایه‌داری و فرآیند جهانی شدن

۴. تداوم بحران‌های ادواری و ساختاری سرمایه‌داری جهانی همراه با نیاز حیاتی آن به توسعه جهان‌گستر برای سودآوری هر چه بیشتر، از دهه هشتاد سده گذشته مرحله جدیدی را در سرمایه‌داری، همراه با سلطه بیشتر سرمایه مالی، موجب شده است. ما مخالف سرمایه‌داری هستیم و براین باوریم که سرمایه‌داری آخرین نظام اقتصادی - اجتماعی و پایان شکل‌بندی تاریخی و محتوم نیست. تلاش بشریت برای دستیابی به جامعه مطلوب ادامه دارد.

۵. ما معتقدیم جهانی شدن، مشخصه اصلی دوران ما است که در همه ابعاد حیات بشری جریان دارد. طی این فرآیند ارزش‌هایی همانند صلح، آزادی، برابری، دموکراسی، حقوق بشر و همبستگی بیش از پیش به ارزش‌های مورد پذیرش در سطح بین‌المللی تبدیل می‌شود. دستاوردهای جهانی شدن، می‌توانند در خدمت جامعه بشری و در راستای آرمان‌ها و ارزش‌های انسانی قرار گیرند و فرصت‌های جدیدی را در اختیار همه قرار دهند. ما مخالف جهانی‌سازی نئولیبرالیستی هستیم که از جانب جریان‌های راست نو، دولت‌های محافظه‌کار، شرکت‌های فراملیتی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که بدون مشارکت، نظارت و مداخله دموکراتیک اکثریت عظیم مردمان جهان و به نفع اقلیت ثروتمند و به زیان اکثریت جامعه بشری به پیش برده می‌شود. ما برای "جهانی بهتر" مبارزه می‌کنیم.

جمهوری اسلامی و گذار از آن

۶. جمهوری اسلامی نظامی است مستبد، سرکوبگر و دشمن حقوق بشر و دموکراسی که در اساس با تکیه به رانت نفتی، اتکاء به ارگان‌های امنیتی، نظامی و تبلیغی به سلطه سیاسی خود تداوم می‌بخشد. خویش و سد راه پیشرفت و تحول دموکراتیک در جامعه ایران است. ...

پیرامون منشور ...

ادامه از صفحه ۱۰

۷. ما برای گذار از جمهوری اسلامی به یک جمهوری دموکراتیک مبتنی بر جدایی دولت و دین مبارزه می‌کنیم. گذار از جمهوری اسلامی نیازمند سازمان‌یابی و به میدان آمدن کارگران، مزد و حقوق‌بگیران، تهیدستان، طبقه متوسط جدید و نیروهای آزادی‌خواه و دمکرات است. روش راهبردی ما برای گذار، بر مبارزات دموکراتیک مردم، جنبش‌های اجتماعی، نهادهای مدنی، جنبش دموکراتیک ملیت‌ها و اقوام ساکن ایران، بسیج پایگاه اجتماعی چپ در میان کارگران، زحمتکشان و مزد و حقوق‌بگیران و فرهنگ‌سازان جامعه استوار است. همراهی نیروهای سیاسی آزادی‌خواه می‌تواند با تغییر توازن قوای کنونی، گذار به یک جامعه آزاد و عادلانه را هموار سازند.

۸. تلاش برای نزدیک کردن نیروهای جمهوری‌خواه، دموکرات و سکولار جهت شکل دادن به یک ائتلاف گسترده سیاسی میان آنان برای گذار به دموکراسی، از مولفه‌های اصلی استراتژی سیاسی ماست. سیاست ما در این راستا بر اتحاد گسترده با دیگر نیروهای چپ و سوسیالیست، ائتلاف با نیروهای آزادی‌خواه حول جمهوریت و جدائی دین و دولت است. ما طرفدار مبارزه مسالمت‌آمیز هستیم و از ابتکارات مردم با توجه به شرائط و سطح رشد مبارزات مدنی آن‌ها حمایت می‌کنیم. چگونگی گذار از جمهوری اسلامی و کاربست اشکال گوناگون مبارزاتی، به نحوه برخورد جمهوری اسلامی با اراده و خواست مردم برای تغییر ساختار سیاسی بستگی دارد.

۹. از دیدگاه ما، انتخابات آزاد و منصفانه یکی از قواعد اساسی نظام دموکراتیک است. مبارزه برای برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه به عنوان شعار فراگیر، بسیج‌گر و پوشش‌دهنده نیروهای مخالف و منتقد جمهوری اسلامی، وجهی از استراتژی ماست. انتخابات آزاد و منصفانه مشروط به تامین آزادی فعالیت احزاب مخالف، تشکل‌ها و انجمن‌ها، آزادی مطبوعات و مبادله اطلاعات است.

۱۰. قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی عمدتاً در دست ولی‌فقیه، سپاه، نهادهای امنیتی و نیروهای راست افراطی به رهبری ولی‌فقیه متمرکز شده است. ما بر تمرکز مبارزه علیه ولایت‌فقیه به عنوان رکن اصلی این نظام تاکید داریم. ما در شکاف موجود بین وجه ولایت و جمهوریت نظام، بر تقویت جمهوری‌خواهی تاکید داریم و تعمیق یافتن شکاف‌های درون حکومتی در مواجهه با مطالبات جامعه را، به سود مبارزه مردم علیه حاکمیت استبدادی می‌دانیم. به باور ما عقب‌نشاندن حکومت در این و یا آن حوزه به سود روندهای دموکراتیک و تامین مطالبات مردم، گامی است به جلو در مبارزه علیه استبداد دین‌سالار.

۱۱. ساختار سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی راه اصلاحات را مسدود کرده است. گفتمان اصلاحات راهگشا نیست و اصلاح‌طلبان حکومتی نشان دادند که راهکاری برای برون‌رفت کشور از وضعیت بحرانی ندارند. اصلاح‌طلبان حکومتی روند تجزیه میان حفظ نظام و تحول خواهی مردم را طی می‌کنند. موضع ما در مورد این جریان نقد نگاه و مواضع آن‌ها در جهت تسریع همین روند است. ما ضمن تاکید بر تدوین قانون اساسی جدید توسط مجلس موسسان منتخب مردم، تغییرات در قانون اساسی موجود در راستای محدود شدن دامنه اختیارات و عملکرد دستگاه ولایت‌فقیه و نهادهای انتصابی و تغییر در توازن قوا در جهت تقویت نقش و تاثیر جامعه مدنی و نهادهای انتخابی را مثبت تلقی می‌کنیم.

۱۲. نظام پیشنه‌داری ما، نظام سیاسی - اجتماعی دموکراتیک در شکل جمهوری است. جمهوری مورد نظر ما مبتنی بر حق رای آزاد و همگانی، پای‌بندی به قانونیت و بر اصل جدائی دولت و دین، تفکیک قوای سه‌گانه، استقلال رسانه‌ها، تناوب قدرت و انتخابی بودن مقامات، نفی حکومت دینی و مسلکی، ساختار سیاسی و اداری غیرمتمرکز و پلورالیسم استوار است. در این جمهوری مذهب و ایدئولوژی رسمی وجود ندارد. همه مذاهب و باورهای مردم مورد احترام است... ما بر انطباق قانون اساسی جدید کشور بر منشور جهانی حقوق بشر و ملحقات آن تاکید داریم. در جمهوری مورد نظر ما، حکم اعدام، شکنجه و مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی ممنوع است.

۱۳. لازمه گذار به دموکراسی و تحکیم آن، گذار از جمهوری اسلامی، انحلال دستگاه‌های ویژه سرکوب مردم، ایجاد تغییرات در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، تامین آزادی و عدالت اجتماعی و توسعه پایدار است. برای تامین این امر، ضروری است به مالکیت نامتعین واحدهای اقتصادی وابسته به ولی‌فقیه، سپاه و روحانیت پایان داده شود، مالکیت این واحدها به بخش‌های دیگر اقتصادی انتقال یابد و دارائی کسانی که ثروت‌های کشور را با رانت‌خواری، فساد و قاچاق غارت کرده‌اند، مورد حسابرسی قرار گیرد.

مسائل برنامه‌ای

۱۴. ما از آزادی سازمان‌یابی گروه‌های اجتماعی، تشکیل سندیکاها، کارگری، تشکل‌های صنفی و سازمان‌های غیردولتی و فعالیت آزادانه احزاب سیاسی، آزادی رسانه‌ها، گردش آزادانه اطلاعات و حق دسترسی مردم به آن، آزادی عقیده، بیان، مذهب، هنر، ادبیات، برگزاری اجتماعات و تظاهرات دفاع می‌کنیم و بر تامین حقوق کار، حق اعتصاب و انعقاد قراردادهای دسته جمعی، حق بیکاری و تضمین اشتغال و بر حق هر شهروند در دسترسی به آموزش رایگان، بهداشت، مسکن مناسب، تامین اجتماعی همه‌جانبه و فراگیر شامل بیمه‌های درمانی، بیکاری، از کارافتادگی و توسعه کارآفرینی و توانمندسازی گروه‌های کم‌درآمد جامعه، پای می‌فشاریم.

۱۵. استقرار دموکراسی در کشور، مستلزم تامین برابر حقوقی زنان و مردان است. به باور ما قانون اساسی، قوانین مدنی، کیفری و جزائی، باید برای زنان کشور در همه زمینه‌ها حقوق برابر با مردان را تضمین و با هر گونه اعمال "خشونت علیه زنان"، در حوزه‌های خصوصی و عمومی مقابله نمایند. ما از شکل‌گیری، گسترش و تحکیم "سازمان‌های غیردولتی زنان" و جنبش‌های مستقل زنان حمایت می‌کنیم و تقویت آنها را به سود تامین حقوق و مطالبات زنان و گسترش دموکراسی می‌دانیم.

۱۶. جهان و کشور ما با یک بحران بزرگ زیست‌محیطی روبروست. شرایط حیات در کره زمین بر اثر رشد انفجارگونه جمعیت، تغییرات ناشی از تراکم گازهای گلخانه‌ای در جو زمین، تخریب اکوسیستم و آلودگی‌های فزاینده محیط زیست، بهره‌برداری غارتگرانه، بدون آینده‌نگری و با نگرش حداکثر سودآوری تولید سرمایه‌داری از منابع طبیعی، استفاده از انرژی فسیلی و الگوی مصرفی موجود، مورد مخاطره جدی قرار گرفته است. در کشور ما از یک سو، منابع طبیعی، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، تالاب‌ها و آب‌های زیرزمینی رو به خشکی و کشاورزی و دامداری رو به نابودی است و از سوی دیگر، انواع آلودگی‌های زیست‌محیطی به ویژه آلودگی هوا، حیات مردم را به طور فزاینده‌ای با خطرات جدی مواجه کرده است. برای خروج از این بحران، کشور ما نیازمند اقدامات بنیادین است.

۱۷. اعمال تبعیضات ملی - قومی در کشور و تمرکزگرایی در آن، از مشخصه‌های جمهوری اسلامی است. چند ده میلیون ترک آذری، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب و... از برابر حقوقی ملی محرومند و حق کاربرد رسمی زبان و فرهنگ خود را ندارند. ما با تاکید بر ضرورت اداره امور هر منطقه به دست ساکنان آن، برآنیم که همه شهروندان ایرانی از حق تحصیل به زبان مادری برخوردار شوند.

موثرتر از گذشته در صحنه سیاسی عمل می کنیم!

محمد اعظمی مسئول هیئت برگزاری کنگره مشترک در گفتگو با اخبارروز

اخبار روز - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ و جمعی از کنشگران چپ، پایان هفته آینده به مدت سه روز از ۱۰ تا ۱۲ فروردین (۳۰ مارس تا اول آوریل) کنگره مشترک برگزار می کنند. هدف این کنگره، وحدت این سه جریان و ایجاد یک حزب واحد از مجموعه نیروهای آنان اعلام شده است. شرکت کنندگان در گفتگوی وحدت، برای رسیدن به کنگره مشترک راه دشوار و پرافت و خیزی را پشت سر گذاشته اند. تغییر در ترکیب نیروهای که گفتگوی وحدت را آغاز کردند و جدایی در میان اتحاد فدائیان خلق ایران، اتفاقی بود که در روند طولانی گفتگوها رخ داد.

حالا شمارش معکوس برای گشایش کنگره مشترک آغاز شده است. در این کنگره چه خواهد گذشت، موضوع اصلی اختلاف در میان شرکت کنندگان در کنگره که به تهیه چند منشور منجر شده، چیست؟ حزب نوین یا در تقسیم بندی های رایج و تاریخی چپ کجا قرار دارد و با کدام سیمای سیاسی برآمد خواهد کرد؟ آیا بعد از کنگره نیروهای این جریانات متحول خواهند شد و ارتباط آنان با توده مردم و مبارزه جاری در کشور تغییر خواهد کرد؟ این پرسش ها را با محمد اعظمی از چهره های سرشناس چپ و مسئول هیئت برگزاری کنگره مشترک طرح کردیم. این گفتگو را می خوانید:

اخبارروز: آقای اعظمی عنوان فراخوان شما برگزاری کنگره مشترک است. این کنگره با مشارکت چه نیروهایی برگزار می شود؟

اعظمی: این کنگره با مشارکت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، کنشگران چپ و سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران- طرفداران وحدت چپ، برگزار می شود. افراد و فعالینی از چپ که در هیچکدام از این سه جریان حضور ندارند نیز، در کنگره شرکت دارند و به درجات مختلف می خواهند تاثیرگذار باشند.

اخبارروز: از فعالان چپ دعوت شده که در این کنگره شرکت کنند. اگر فعالانی که تا کنون در جریان مذاکرات و توافق های شما نبوده اند می توانند به عنوان عضو و با حق رای در کنگره شرکت کنند، چرا از کنگره ی مؤسس والزامات آن صحبت نمی کنید؟

اعظمی: ابتدا روشن کنم که مهمانان این کنگره، که خوشبختانه نسبتا پرشمارند، عموما افرادی هستند که در جریان مباحث قرار دارند. این ها، صاحبخانه هائی هستند که طی دوره ای به دلایل مختلف از تشکلهای موجود فاصله گرفته بودند. ما از این رفقا دعوت کرده ایم در کنگره شرکت کنند و خوشحال می شویم که اگر بخواهند عضو شوند. بسیاری از این افراد اگر به هر کدام از سه طرف مراجعه می کردند و می خواستند به عنوان عضو فعالیت کنند، با گشاده روئی با آنان برخورد می شد.

اما نمی دانم منظور شما از فعالانی که در جریان مذاکرات و توافق های ما نبوده اند، ولی با حق رای می توانند در کنگره شرکت کنند، چه کسانی هستند. من از چنین تصمیمی بی اطلاعم. آن چه که روشن است، عضو صاحب رای در این کنگره، رفقای خواهند بود که عضو سه جریان تشکیل دهنده این کنگره بوده اند و یا در این فاصله وارد روند این پروژه شده اند و یا علاقمند به این وحدت بوده و در جریان مباحث و تصمیمات جمعی قرار دارند. البته جریان مباحثات ما مخفی نبوده است، اسناد پیشنهادی و گزارش پیشرفت کارها، همه تنظیم و منتشر شده اند.

اخبارروز: تعدد پیشنهادهایی زیر عنوان منشور، نشانه ی تفاوت نظر میان شرکت کنندگان در کنگره مشترک است. موضوع اصلی اختلاف میان شما که به تدوین چند منشور منجر شده، چیست؟

اعظمی: تا کنون سه منشور به کنگره ارائه شده است. یکی از آنها، منشوری است که در چارچوب سوسیال دموکراسی خود را تعریف می کند. اما دو منشور دیگر از نظر من در یک چارچوب قرار دارند. گروه کار منشور تلاش کرد آن دو منشور را یکی کند. این دو منشور، روی چند محور، از جمله: سیاست در قبال اصلاح طلبان و دیگری سوسیالیسم، با سایه روشن هائی تفاوت دارند. این امکان وجود داشت که در ارتباط با این تفاوت ها، تاکیدات با فرمولبندی جداگانه، در منشور مشترک منعکس شوند تا پیرامون آن ها کنگره مشترک تصمیم گیری کند.

تفاوت نظر در یک جریان سیاسی طبیعی است و باید از آن استقبال کرد. روش برخورد با این تفاوتها، مهم است. می شود چنان سیاست را گرد کرد که نظرات متفاوت، نظر خودشان را در آن ببینند. روش دیگر این است که تفاوت های مهم پس از بحث و گفتگو، به رای کنگره سپرده شود. ما کوشیده ایم روش دوم را برگزینیم. چون روش نخست در لحظه، افراد را به هم نزدیک می کند، اما در جریان مبارزه، به کشمکش ها دامن می زند و انرژی ها را به هدر می دهد.

اخبارروز: شرکت کنندگان در کنگره مشترک بر تعلق خود به جنبش چپ تاکید دارند. آیا در منشور و سایر اسناد، مشخص است که کنگره مشترک شما در تقسیم بندی های رایج و تاریخی چپ در کجا، در کنار و در برابر چه کسانی قرار می گیرد؟ به بیان دیگر به تعیین حدود و تدقیق مضمون چپ از نگاه خود پرداخته است؟

اعظمی: در این باره پس از برگزاری کنگره دقیق تر می توان صحبت کرد. اما از نظر من گرایش مسلط در این پروژه به لحاظ نظری و ارزشی، مخالف سرمایه داری است و براین باور است که نظام سرمایه داری حرف آخر تاریخ نیست. بر سوسیالیسم تاکید دارد، اما سوسیالیسم بدون دموکراسی را بی معنی می داند. بر ارزش هایی چون صلح، آزادی، برابری، عدالت اجتماعی، همبستگی، دموکراسی، جدائی دین و دولت و مسلک، برابر حقوقی زن و مرد، تنوع سبک زندگی، رفع تبعیض های طبقاتی، ملی - قومی و مذهبی و حفظ محیط زیست تاکید دارد و آرمانخواهی سوسیالیستی خود را نه برای فردایی نامعلوم، بلکه سمت دهنده برنامه و مبارزه جاری خود می داند.

به لحاظ سیاسی نیز، گرایش مسلط این پروژه بر این باور است که در جمهوری اسلامی با این ساختار و قانون اساسی راه اصلاحات مسدود است. اصلاح طلبان حکومتی نیز نشان داده اند که راهکاری برای برون رفت کشور از وضعیت بحرانی ندارند. از اینرو بر گذار از جمهوری اسلامی، با تکیه بر جنبش های اجتماعی، برای دستیابی به یک جمهوری دموکراتیک مبتنی بر جدایی دین و دولت تاکید می شود. ...

موثرتر از گذشته ...

ادامه از صفحه ۱۲

با این توضیحات، منطقاً خودتان می‌توانید جایگاه ما را در تقسیم بندی های رایج و تاریخی چپ مشخص کنید و بگوئید که کجا قرار می‌گیریم.

اخبارروز: اگر کنگره به اتفاق آرا و با اکثریت قابل پذیرش، اسناد پیشنهاد شده را تصویب کند، تکلیف سازمان فدائیان خلق ایران-اکثریت چه می‌شود، آیا این سازمان وارد دوره ی دگردیسی و انحلال می‌شود و یا این که به فعالیت خود ادامه می‌دهد؟

اعظمی: "سازمان اکثریت" خواستار دوره گذار شده بود تا در باره سرنوشت تشکل خود تصمیم بگیرد. دیگر جریان‌ها به رغم مخالفت با دوره گذار، این درخواست را پذیرفتند. اما می‌بایست در اساسنامه تشکل واحد، محدودیت زمانی برای حفظ تشکل‌ها و دوره گذار ایجاد شود. کنشگران که اساساً برای وحدت گرد آمده‌اند. اتحاد فدائیان- طرفدار وحدت هم این نگرش را دارد که با ایجاد تشکل واحد، دلیلی برای ادامه حیات دیگر تشکل‌ها وجود ندارد. فکر می‌کنم رفقای سازمان اکثریت نیز عموماً، حفظ تشکیلات خود را برای همیشه نمی‌خواهند. از نظر من هیچ دلیلی وجود ندارد که ما به این وضع را ادامه دهیم.

اخبارروز: برخی از منتقدان می‌گویند جریان‌ها می‌گویند حیرانی که قرار است ایجاد شود به دلیل عدم صراحت در مورد اصلاح ناپذیری جمهوری اسلامی، سیمای سیاسی و سیاست سیالی بین اصلاح طلبی رادیکال و "تحول طلبی" دارد. گفته شده که اساساً این جریان گذار انقلابی به مفهوم متعارف آن را رد می‌کند، پاسخ منشور در دستور کنگره ی مشترک به این منتقدان چیست؟

اعظمی: ببینید چپ ایران، البته نه تنها چپ ایران، کل اپوزیسیون حکومت جمهوری اسلامی به همان شدت که علیه جمهوری اسلامی برافروخته می‌شود، حدوداً به همان نسبت هم خود را "پا پیچ" متحدان اش می‌کند. "عدم صراحت در مورد اصلاح ناپذیری جمهوری اسلامی" یکی از این نمونه‌هاست. در این پروژه نظرات مختلف حضور دارند. اما چهره مسلط را باید با اسنادی که منتشر شده‌اند توضیح داد. در دو منشوری که گرایش مسلط این پروژه را بازتاب می‌دهند، هر دو، مرز روشنی با اظهار نظر این منتقدان دارند. فکر می‌کنم در بهترین حالت این عزیزان ذهنیت و پیشداوری‌ها را به جای واقعیت جاری می‌نشانند. در دو منشور ارائه شده سیاست در قبال اصلاح طلبان روشن است. در یکی از منشورها آمده است:

ساختار سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی راه اصلاحات را مسدود کرده است. گفتمان اصلاحات راهگشا نیست و اصلاح طلبان حکومتی نشان دادند که راهکاری برای برون‌رفت کشور از وضعیت بحرانی ندارند. اصلاح طلبان حکومتی روند تجزیه میان حفظ نظام و تحول خواهی مردم را طی می‌کنند. موضع ما در مورد این جریان نقد نگاه و مواضع آن‌ها در جهت تسریع همین روند است.

منشور دیگر هم در این باره، چنین می‌گوید:

ساختارحقوقی درونی جمهوری اسلامی همه راه‌ها را برای اصلاحات بسته است. با این ساختار نظام جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست. اصلاحات راهگشا برای این خواست‌ها در جمهوری اسلامی ممکن نیست و از این روست که افشار مختلف جامعه از این گفتمان اصلاح طلبان حکومتی پیشی گرفته‌اند. اکثر اصلاح طلبان حکومتی امروز بیشتر به دنبال آنند که به هر قیمتی، از جمله تن دادن به اراده رهبر جمهوری اسلامی، همچنان در ساختار قدرت باقی بمانند. ما اصلاح طلبان حکومتی را نیروی متحد خود نمی‌دانیم. موضع ما نسبت به این یا آن سیاست و عمل اصلاح طلبانه، مشروط به کیفیت و راستای آن سیاست، منوط به سطح مطالبات مردم و مجموعه شرایط سیاسی- اقتصادی، اجتماعی جامعه است.

اخبار روز: اعتراضات و اعتصابات زنجیره ای کارگران، پرستاران، معلمان، دستفروشان، دانشجویان، زنان و مزدبگیران فرودست در کشور بدون وقفه جریان دارد. آیا نیروهای شرکت کننده در کنگره مشترک فراتر از پشتیبانی مجازی، وظیفه ای برای خود متصورند و طرح و برنامه ای برای مشارکت در مبارزه واقعا جاری و برقراری رابطه با همین افشار و گروه‌ها دارند؟

اعظمی: ما وظیفه خود میدانیم که جنبش‌های اجتماعی را تقویت کنیم. این جنبش‌ها تکیه گاه مبارزه علیه استبدادند. تقویت اعتراضات و اعتصابات از طریق حمایت از خواسته‌های آنها و افشای سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت پیش می‌رود. نیروهای متشکل چپ در داخل کشور سرکوب و حذف شده‌اند. اما هزاران نیروی چپ در داخل فعالیت میکنند که در این چارچوب سیاسی قرار دارند. اینان در اعتراضات حضور دارند و در سازماندهی اعتصابات نقش آفرین هستند. ما خود را همیشه با این جنبش‌ها می‌دانیم و می‌کوشیم به طرق مختلف با آنها همکاری کرده و همفکری کنیم. مناسبانه استبداد حاکم امکان فعالیت علنی و سازمانیافته را از ما گرفته است اما در دنیای پیش رفته کنونی نمی‌تواند ارتباط ما را مسدود نماید. به شعارهای خیزش دیمه نگاه کنید. بسیاری از این شعارها سالهاست توسط نیروهای چپ طرح و تبلیغ شده است.

اخبارروز: همزیستی نیروهای شرکت کننده در کنگره مشترک نازکی ندارد، چرا ما تا به حال کار مشترک و حرکت چشمگیری از این مجموعه ندیده ایم؟

اعظمی: نخست اینکه حرکت چشم گیر ما، همین عزمی است که برای تحقق وحدت بخشی از نیروهای چپ نشان داده‌ایم و تلاشی است که برای پایان دادن به پراکندگی می‌کنیم. اکنون هم به آستانه برگزاری کنگره مشترک رسیده ایم. همین کار به تنهایی اقدامی است که در شرایط کنونی بسیار مهم است.

افزون بر این، ما کارهای مشترک نیز داشته ایم و چندان دستمان خالی نیست. به ویژه پس از کناره گیری بخشی از "اتحاد فدائیان" و "شورای موقت" فعالیت‌های مشترک ما، شتاب گرفت. به آرشو همین اخبار روز نگاهی بیاندازید. ما در قبال اتفاقات و خیزش‌ها مواضع متعددی به صورت مشترک اتخاذ کرده ایم. علاوه بر این، سه جریان کنونی در بسیاری از حرکات علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از خواست جنبش‌های اجتماعی، حضور داشته‌اند. اما به جای تبلیغات برای حضورمان با نام و پرچم سازمانی، کوشیده ایم نیروهای بیشتری را در دفاع از اعتراضات مردم به هم نزدیک کرده، خود حرکت را نیرومند نماییم. در خارج کشور در بسیاری از حرکات مهم، حضور فعالان این پروژه قابل تشخیص است. البته ظرفیت ما فراتر از اینهاست. من هم بر این باورم که به عنوان نیروهای سیاسی چپ می‌بایست مشارکت فعال تر و پر شمارتری داشته باشیم. در این زمینه، از رسانه‌های دلبسته به چپ نیز انتظار این است که بکوشند پوشش موثرتری به این حرکات بدهند. ...

موثرتر از گذشته ...

ادامه از صفحه ۱۳

شخصاً فکر می‌کنم یکی از مشکلات اصلی ما و عموم نیروهای چپ، نداشتن رسانه پر بیننده و شنونده است. اهمیت دارد برای این مساله همفکری و راهیابی شود.

اخبارروز: یکی از انتقادات مطرح به مجموعه ی احزاب و سازمان های چپ و بویژه شرکت کنندگان در کنگره مشترک این است که فعالیت سیاسی و سازمانی آنها مجازی و بی رمق است و حتی در خارج از ایران و به دور از سرکوب جمهوری اسلامی قادر نیستند نیروهای خود را برای مثلا یک تجمع اعتراضی در مقابل پارلمان اروپا بسیج کنند. آیا کنگره مشترک می تواند تحولی در این وضعیت ایجاد کند؟

اعظمی: در سوال شما و نظر منتقدان، بسیج برای برگزاری یک تجمع اعتراضی در مقابل پارلمان اروپا، یک اقدام بسیار مهم است که آن را معیار قضاوت فعال بودن و یا لختی فعالان سیاسی قرار می‌دهید. می‌گوئید انتقاد به احزاب و سازمان های چپ و بویژه شرکت کنندگان در کنگره مشترک این است که فعالیت سیاسی و سازمانی آنها مجازی و بی رمق است چون قادر نشده اند تجمعی اعتراضی در مقابل پارلمان اروپا برگزار کنند.

من با مقدمه ای به پرسش شما می‌پردازم.

اول اینکه توجه داشته باشیم امر وحدت در کشور استبداد زده ما جاذب نیست. کادرها و فعالان را به جای تشویق به پیشروی، با مانع روبرو می‌کند. وحدت در واقعیت جامعه ما، به دویدن یا وزنه می‌ماند که همزمان می‌بایست از روی موانع متعدد نیز بپرد. مشکل این است که بخشی از نیروهای چپ و ترقی خواه برای وحدت کردن، دلیل و برهان می‌خواهند. اما چشم بر پراکندگی دردناک چپ، بسته اند. این پروژه به محض این که در دستور قرار گرفت، از درون و بیرون، نیروهای مدافع وحدت زیر فشار قرار گرفتند. می‌پرسند وحدت چرا می‌کنید؟ ما می‌بایست دیگران را مجاب کنیم که پراکندگی چپ امتیاز نیست. مصیبت است. به استمرار استبداد و تداوم تبعیض و بی عدالتی کمک می‌کند.

دوم اینکه رسانه های چپ هم عمدتاً آنطور که باید یار و یاور تشکل ها نبوده اند. به سایت ها و رسانه های منتسب به چپ نگاه کنید. سیاست بسیاری از آنها بی توجهی به تشکل‌های سیاسی است. انعکاس مقاله افراد در سایت ها را، با متن های تشکل‌ها، مقایسه کنید. مطلبی که به نام فرد نوشته می‌شود، عموماً از جایگاه مهمتری در سایت ها برخوردار می‌گردد. اگر همین مقاله نام تشکلی را داشته باشد، برخی سایت ها منعکس نمی‌کنند و برخی دیگر، آن را در گوشه و کناری جاسازی می‌کنند. حرکت ما خلاف جریان آب شنا کردن بوده است و در تمامی جبهه ها در حال خنثی کردن مقاومت ها بوده ایم. حال از ما چه انتظاری دارید؟ در واقع ابر و مه و خورشید و فلک خواسته و ناخواسته، آگاهانه یا نا آگاهانه در کار بوده اند تا قدم های ما را برای ادامه کار سست کنند و پروژه را به شکست بکشانند.

با این توضیحات برمی‌گردم به پرسش شما. باید دید که هر جریان چگونه به تجمع اعتراضی در مقابل پارلمان اروپا نگاه می‌کند و چه جایگاهی در اولویت های فعالیت سیاسی اش دارد؟ بدون شک این نوع حرکات مثبت است و بی تاثیر نیست، اما ما با توجه به مجموعه وظایف و اولویت هایمان این اقدام را در دستور خود نگذاشتیم که برای آن بسیج سراسری کنیم. هر چند که در هر کجا که حرکتی شکل گرفته است، ما کوشیده ایم نیروهایمان را در آن محدوده، بسیج کنیم. به نظر من ایراد نیروهای چپ این نیست که حرکت اکیسونی نمی‌گذارند. و یا حرکت اکیسونی چشم گیر ندارند. چپ در این زمینه دست پری دارد. مشکل کیفیت کم این تاثیر گذاری است که می‌بایست برای آن چاره اندیشی کرد.

برای حرکات چشم گیر لازم است توجه کنیم که فعالیت در خارج از کشور تحت تاثیر مبارزات داخل جان می‌گیرد. هر زمان که حرکتی در داخل اوج گرفته است، جنبش نیرومندی در خارج به حمایت و پشتیبانی آنها به میدان آمده است. و چپ‌ها انصافاً یکی از نیروهای فعال میدان بوده اند. در دیگر مواقع، انگیزه برای این نوع حرکات اکیسونی کم است، چون امید به ثمری نیست.

اخبارروز: آیا با گشایش کنگره مشترک، فکر می‌کنید به هدفی که چند سال پیش در آغاز راه با انتشار فراخوان وحدت چپ اعلام کرده بودید نزدیکتر شده اید؟ یعنی حالا موقعیت خود را در صحنه ی سیاسی بزرگتر، فعالتر و موثرتر از گذشته ارزیابی می‌کنید؟

اعظمی: بدون شک اگر کنگره موفق برگزار شود، که شواهد و نشانه های دلگرم کننده ای برای آن وجود دارد، این اقدام خود به تنهایی عامل مثبتی است که به ما انرژی می‌دهد تا نسبت به گذشته در صحنه سیاسی قوی تر و فعال تر ظاهر شویم. به نظر من ما ظرفیت این را داریم که موثرتر عمل کنیم، مشروط بر اینکه، اهمیت حضور فعال در عرصه سیاسی را خصوصاً در شرایط کنونی، درک کنیم و نیروهای چپ در مجموع فراموش نکنند که هدف اصلی همه ما دستیابی به آزادی و داد است، از طریق شوریدن بر بیداد. من امیدوار و خوشبینم. بر این باورم که نیروهای چپ با سربرآوردن جنبشی که در زیر پوست جامعه حس می‌شود، به سرعت از دل سرما و برودت زمستانی، در آستانه بهاری که دارد می‌رسد از راه، شکفته می‌شوند و در راه دستیابی به آزادی و برابری به گل می‌نشینند. همه نشانه ها دارند یادآورمان می‌شوند که چشم انداز رهائی، دیر هست اما، دور نیست. باید برای چنین شرایطی دست اتحاد به سوی دیگر نیروهای ترقی خواه دراز کنیم. بدانیم که به میزانی که چپ بتواند متحد تر عمل کند به همان اندازه می‌تواند در اتحاد وسیع تر برای دموکراسی، علیه استبداد نقش بیافریند.

و کلام آخر اینکه به یاد آریم در چه شرایطی پروژه وحدت آغاز شد، صحبت از وحدت اراده گراپی بود و یک امر غیر ممکن. نزدیکی این نیروها در آن زمان با توجه به داوری های درست و نادرست، کار ساده ای نبود. این پروژه در آن شرایط دشوار، پی گیری شد. نیروهایی که با هم حتی رابطه نداشتند، به مرور و در جریان عمل تغییر کردند. اختلافات واقعی با گفتگو از دامنه شان کاسته شد. شناخت از یکدیگر افزایش یافت و به رفع سوء تفاهمات و کاهش داوری های نابجا، انجامید. فرقه گرایی کم رنگ شد. مباحث ما به نتایج مهمی رسید. کار فکری فردی به مرور جمعی تر شد. شکیبایی پیشه مان شده است. اکنون شاهدیم و می‌بینیم که این کنگره، امیدهایی را برانگیخته است. بدون تلاش های خستگی ناپذیر طرفداران وحدت، مطمئناً ما امروز در اینجا قرار نداشتیم. با برگزاری این کنگره و ایجاد سازمان واحد، این امید که موقعیت ما نیروهای چپ در صحنه سیاسی کشور موثرتر از گذشته شود، چندان غیر واقعی نیست. امیدوارم و آرزو می‌کنم بتوانیم پیش تر برویم.

منبع: اخبار روز

به شوق بنیان‌گذاری «تشکل مشترک حزبی» به پیش!

مناسبات ایران و هند در بستر چالش های استراتژیک و ژئوپلیتیک جهانی

عیسی پهلوان

اینک با گذشت نزدیک به سه دهه از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی، با مناسبات بین المللی نوینی روبرو هستیم. با قدرت گیری اقتصادی و نظامی و سیاسی چین و قدرت گیری دولت روسیه و تثبیت نسبی اتحادیه اروپا به رغم خروج انگلیس از آن و توانمندی بیشتر هندوستان، برغم تلاش های آمریکا برای گسترش قدرت جهانی، جهان آرام آرام بسوی چند قطبی شدن پیش رفته و معادله ی نیروها در سطح جهانی با دگرگونی های زیادی روبرو گشته است.

جیمز ماتیس وزیر دفاع آمریکا در دی ماه امسال در سخنانی تنش را اعلام کرد که گسترش شتابان توان نظامی چین و گسترش سیاست های تعرضی روسیه از نظر امنیت ملی آمریکا در درجه ی نخست قرار دارند و خطر آنها برای منافع آمریکا از تروریسم جدی تر است. او افزود که چین و روسیه برتری نظامی آمریکا را در گوشه و کنار جهان به خطر انداخته اند. در استراتژی جدید دفاع ملی آمریکا در همین زمینه به افزایش توان نظامی چین در دریای جنوبی و گسترش فعالیت های سیاسی و اقتصادی این کشور در جهان اشاره رفته و اشغال کریمه و دخالت روسیه در سوریه به عنوان سیاست تعرضی این کشور ارزیابی شده است.

هند با ۱٫۲ میلیارد نفر به عنوان دومین کشور پر جمعیت جهان و یکی از بزرگترین اقتصادهای کشور های در حال توسعه و به عنوان یک قدرت اتمی، در مناسبات و محاسبات بین المللی از اهمیتی دم افزون برخوردار است. اختلاف های دیرینه هند با پاکستان و چین و پیوندهای نزدیک اقتصادی و استراتژیکی چین و پاکستان در چند سال گذشته در چارچوب جاده ی ابریشم جدید که چین سرمایه گذاری ۹۰۰ میلیارد دلاری برای آن در نظر گرفته است و نزدیکی آرام آرام هند و آمریکا در این سالها، وضعیت جدیدی را در این بخش از جهان پدید آورده است که اگر اختلاف های چند دهه ای جمهوری اسلامی و آمریکا و جنگ در افغانستان و سوریه و عراق و نقش روسیه در منطقه را هم به آن بیافزاییم، با صحنه ی سیاسی روبرو می شویم که با پیچ و خمها و چالشها و پیچیدگیها و درگیری های بسیاری روبروست.

قدرت گیری روزافزون چین از نظر اقتصادی و سیاسی و نظامی در جهان و رویارویی و رقابت اقتصادی و استراتژیکی و ژئوپلیتیک آمریکا و چین همانگونه که در سند راهبرد جدید آمریکا که چندی پیش انتشار یافته به آن اشاره رفته است به هند بعنوان همسایه ی بزرگ و نیرومند چین که به آب های آزاد دسترسی دارد نقش ویژه ای می بخشد که همه بازیگران عرصه ی شطرنج جهانی و منطقه ای به آن توجه دارند و با باید داشته باشند. دولت چین در ساختن راه ابریشم جدید، جایگاهی برای هند در نظر نگرفته است و با توجه به اینکه پاکستان هم راه ارتباط هند با افغانستان و آسیای میانه را بسته است هند به تنها

امکان باقی مانده برای ارتباط ترانزیتی زمینی با افغانستان و آسیای میانه و قفقاز و ترکیه و اروپای شرقی که ایران باشد روی آورده است. مسیری استراتژیک که می تواند پیوندهای استواری میان هند و کشور های یاد شده فراهم آورد. در دوره تحریم های فاجعه بار جهانی در سال های گذشته، هندوستان روابط اقتصادی خود با ایران را کاهش داد بی آنکه آنرا کاملا قطع کند، چنانکه واردات نفت خام از ایران از ۱۲ درصد کل واردات نفتی هند در سال ۲۰۱۰ به ۵ درصد در سال ۲۰۱۵ کاهش یافت. پس از توافق برجام و پایان تحریم های جهانی، صادرات نفت ایران به هند با شتاب افزایش یافت و در سال ۲۰۱۶ به ۵۰۰ هزار بشکه در روز رسید. با توجه به نیاز دم افزون هند به نفت و گاز، هند بر آنست که با سرمایه گذاری در میدان گازی فرزاد در خلیج فارس با ایران در زمینه استخراج گاز شریک گردد. شرکت نفت و گاز دولتی OVL پیشنهاد همکاری و انجام سرمایه گذاری با حجم ۶ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار به وزارت نفت ایران را مطرح کرده بود اما جمهوری اسلامی به سبب بده بستان های سیاسی - نظامی با روسیه خواهان بستن قرارداد با روسیه است. این چالش سبب شد که هند از واردات نفتی اش از ایران بکاهد اگر چه هنوز از بستن این قرار داد کاملن قطع امید نکرده است. بنظر می رسد منافع ملی ایران با مشارکت هندی ها در این پروژه بیشتر تامین می شود.

سفر سه روزه روحانی به کشور هند با همراهی وزیران خارجه و نفت و افرادی از بخش خصوصی در اواخر ماه بهمن با توجه به اوضاع نابسامان جهان و چالش های داخلی و منطقه ای و جهانی ای که حکومت جمهوری اسلامی با آن روبروست از جهت های گوناگون قابل بررسی است. این سفر با آوازه گری های روحانی در باره ی برادری و وحدت میان مسلمانان و اتحاد اسلامی در نماز جمعه اهل سنت حیدر آباد همراه بود جالب آنست که در کشور سخنران، اهل سنت حتی از داشتن یک مسجد در پایتخت شان تهران بی بهره اند. او همچنین در نشست با زرتشتیان هند گفت پیشرفت کشور پیشرفت همه ی ایرانیان و فرهنگ و تمدن باستانی ماست. او از آنان برای داشتن روابط نزدیکتر اقتصادی با ایران دعوت کرد. این سخنان هنگامی به زبان آورده می شود که زرتشتیان ایرانی ازسوی شورای نگهبان حتی از صحنه ی انتخابات حذف می شوند.

دور جدید مناسبات ایران و هند با سفر نخست وزیر کنونی هند به تهران در سال ۲۰۱۶ شتاب بیشتری پذیرفت و با سفر روحانی به هند می تواند در گستره های ترانزیت کالا و انرژی و نفت و گاز و پتروشیمی و تجاری و علمی و فن آوری گسترش یابد. ایران و هند در سده های طولانی از مناسبات خوبی با یکدیگر برخوردار بودند اگرچه یورش نظامی

نابخردانه نادرشاه افشار به هند و تسخیر این کشور که ره آوردی جز مثنی عاج و جواهرات به همراه نداشت ضربه ای اساسی به این مناسبات نزدیک، بویژه در زمینه فرهنگی وارد ساخت و بدتر از آن با تضعیف حکومت هند، تسخیر این کشور از سوی دولت انگلستان و مستعمره شدن هند را آسان تر نمود و با تسخیر این کشور از سوی انگلیس، روابط تاریخی و فرهنگی نزدیک ایران و هند با گسلی استعماری روبرو شد و ایران عملا در مرزهای شرقی اش با ابر قدرت استعماری انگلستان همسایه شد که به جدایی بخش های بزرگی از کشور در سده نوزدهم انجامید.

مودی نخست وزیر هند در دیدار با روحانی آمادگی دولتش را برای سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز ایران اعلام داشت و برادان وزیر نفت هند گفت در صورت خرید نفت خام از ایران سود خواهیم برد زیرا به ما تخفیف های خوبی داده شده است. جمهوری اسلامی برای امسال کرایه حمل نفت به هند را از ۸۰ درصد به ۶۲ درصد کاهش داده بود گویا این تخفیف به ۱۰۰ درصد افزایش داده شده است و حمل نفت به هند رایگان انجام می پذیرد. در واقع جمهوری اسلامی با ادامه سیاست های نابخردانه بین المللی و منطقه ای خود و پیامدهای ناگزیر مالی و اقتصادی آن، منافع ملی ایران را به حراج می گذارد و به همه باج می دهد.

در جریان این سفر، ایران و هند ۱۵ سند همکاری و تفاهم نامه امضا کردند که مهمترین آنها قرارداد مربوط به بندر چابهار است. آماج راهبردی هند از مناسبات نزدیکتر با ایران، برقراری ترانزیت کالا با افغانستان و آسیای میانه و قفقاز و ترکیه از بندر چابهار است. هند از جمله در گسترش راه آهن از چابهار به دیگر نقاط ایران می تواند به این هدف دست یابد. هند نیمی از هزینه یک میلیارد دلاری توسعه چابهار و گسترش راه آهن چابهار به زاهدان را به عهده می گیرد. مودی نخست وزیر هند در باره جایگاه بندر چابهار با دروازه طلایی نامیدن آن گفت بندر چابهار می تواند بازی مناسبات تجاری در منطقه و جهان را دگرگون کند. او گفت ما هم اکنون صادرات گندم هند به افغانستان را از راه بندر چابهار آغاز کرده ایم. قرار است امسال یک میلیون تن گندم از این راه از هند به افغانستان صادر شود.

فاز نخست توسعه چابهار بنام پروژه بندر بهشتی که پیمانکار اصلی آن فرارگاه خاتم الانبیا سپاه پاسداران بود نزدیک به ۱۲ سال به درازا کشید. در قرارداد ایران و هند کنترل بخشی از بندر چابهار برای پیشبرد شتابان تر کارها برای مدت ۱۸ ماه به عهده هند واگذار شده است. اقدام ناخوشایندی که گویا با توجه به ناکارآمدی مدیریتی قرار گاه سپاه، طرفین آنرا ضروری دانسته اند. ایران و هند برآند تا ظرفیت ترانزیت کالا ی این بندر را به ۸۰ میلیون تن در سال برسانند.

نقشه راه توسعه چابهار نیازمند نیروی کار بسیار و ایجاد محل کار های جدید است. با توجه به افزایش جمعیت در منطقه،

پیرامون منشور ...

ادامه از صفحه ۱۱

دولت در ایران موظف است امکانات لازم برای شکوفایی همه زبان‌های کشور را فراهم آورده و به جبران عقب‌ماندگی‌های ناشی از دهه‌ها اعمال تبعیض اقتصادی و فرهنگی برخیزد. برابر حقوقی ملی، لازمه تأمین انسجام ملی در کشور و از الزامات دولت دموکراتیک، سکولار و مدرن در کشور است.

۱۸. مبانی سیاست خارجی برتأمین منافع و مصالح ملی، طرفداری از یک سیاست خارجی مستقل مبتنی بر صلح و دوستی میان کشورها، دوستی و همکاری با کشورهای همسایه، عدم تعهد به پیمان‌های نظامی در سطح جهان، مخالفت با دخالت‌ها و تعرضات سیاسی و نظامی از سوی قدرت‌های خارجی در امور داخلی ایران، مبارزه برای برقراری صلح و منع تولید و نابودی سلاح‌های کشتار جمعی در سطح منطقه و جهان، دفاع از موجودیت دو دولت فلسطین و اسرائیل و حمایت از مبارزات آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه در سراسر جهان استوار است. سیاست خارجی ایران باید در خدمت تولید ثروت و گسترش تجارت قرار گیرد.

پیشنهادها

- در بند ۴ به جای "مخالف سرمایه‌داری" نوشته شود: "ناقد سرمایه‌داری و مناسبات اقتصادی حاکم بر آن"

- در بند ۴ به جای "ما مخالف سرمایه‌داری هستیم" نوشته شود: "ما مخالف سیستم سرمایه‌داری هستیم".

- پیشنهاد اضافه شدن این بند به منشور: "از ویژگی‌های سرمایه‌داری ایران در دوره جمهوری اسلامی، رشد ناموزون، تقویت خصلت تجاری، تشدید رانت‌خواری و فساد، رواج گسترده اقتصاد زیرزمینی، شکل‌گیری بنیادهای خارج از نظارت و کنترل دولت، تبدیل شدن سپاه پاسداران به یک مجموعه بزرگ اقتصادی و کنترل مسقیم و غیر مستقیم بخش مهمی از اقتصاد توسط نهاد ولایت فقیه است. در جمهوری اسلامی بخش مهمی از اقتصاد کشور در دست دولت و نهادهای شبه دولتی رانت‌خوار است"

- پیشنهاد اضافه شدن این بند به منشور: "ما برتأمین رفاه اجتماعی تأکید داریم. ما ضمن حمایت از مالکیت دولت بر واحدهای استراتژیک اقتصادی، مخالف تمرکز قدرت و مالکیت در دست دولت و یا لایه نازکی از جامعه بوده و مدافع سیاست‌های اقتصادی معطوف به شکل‌گیری و گسترش بخش تعاونی و بخش خصوصی مدرن، کارآفرین و رقابتی هستیم. ما از سرمایه‌گذاری در عرصه‌های مختلف اقتصاد حمایت می‌کنیم. تلفیق سازوکار برنامه‌ریزی دولتی و بازار و جلوگیری از انحصار و ایجاد فضای رقابتی، بعنوان مکانیزم‌های تنظیم کننده اقتصاد، جزئی از سیاست‌های کلان اقتصادی ما می‌باشد."

- این جمله از بند ۸ حذف شود: "چگونگی گذار از جمهوری اسلامی و کاربست اشکال گوناگون مبارزاتی، به نحوه برخورد جمهوری اسلامی با اراده و خواست مردم برای تغییر ساختار سیاسی بستگی دارد."

- در بند ۱۱ این جمله حذف شود: "گفتمان اصلاحات راهگشا نیست و اصلاح‌طلبان حکومتی نشان دادند که راهکاری برای برون‌رفت کشور از وضعیت بحرانی ندارند. اصلاح‌طلبان حکومتی روند تجزیه میان حفظ نظام و تحول خواهی مردم را طی می‌کنند." و به جای آن نوشته شود: "اصلاح‌طلبان حکومتی با چالش‌های جدی مواجه شده و نتوانسته‌اند به مطالبات مردم پاسخ گویند. گفتمان اصلاحات احتیاج به یافتن راهکارهای تغییر ساختارها برای راهگشائی اصلاحات دارد."

- در بند ۱۷ به جای "همه شهروندان ایرانی از حق تحصیل به زبان مادری برخوردار شوند" نوشته شود: "همه شهروندان ایرانی از حق آموزش زبان مادری برخوردار شوند".

<p style="text-align: center;">آدرس پستی:</p> <p>L.G.e.v Postfach 260268 50515 Köln Germany</p> <p style="text-align: center;">شماره حساب بانکی:</p> <p style="text-align: center;">L.G.e.v دارنده حساب بانکی:</p> <p style="text-align: center;">شماره حساب: ۲۲۴۴۲۰۲۲</p> <p style="text-align: center;">کد بانک: ۳۷۰۵۰۱۹۸</p> <p style="text-align: center;">نام بانک: Stadtsparkasse Köln-Bonn</p> <p>IBAN: DE33 37050198 0022 442032</p> <p>SWIFT-BIC: COLSDE33</p>	<p style="text-align: center;">بولتن کارگری شماره ۲۲۹</p> <p style="text-align: center;">در این شماره می‌خوانید:</p> <p style="text-align: center;">- تحلیل هفته: آقای روحانی دوران عوام فریبی به سر رسیده است!</p> <p style="text-align: center;">- از تجربه دیگران: چارچوب قانونی برای "اتحادیه‌های صنفی اتیوپی" در یک دیدگاه تاریخی (بخش چهارم)</p> <p style="text-align: center;">- دیگر کشورها: مبارزه برای حقوق بازنشستگی در اسپانیا</p> <p style="text-align: center;">- از جهان کار: شاکله‌های آینده کار بخش دوم</p> <p style="text-align: center;">- یادداشت منتخب: ایجاد رعب و وحشت در کارگران به جان آمده ما و شما را بر دیوار خواهند کوبید!</p> <p style="text-align: center;">- اطلاعیه: پیام سندیکاهای کارگری سوئد به کارگران ایران به مناسبت فرا رسیدن سال نو!</p> <p style="text-align: center;">- اطلاعیه: بیانیه تشکل‌های مستقل کارگری پیرامون تعیین حداقل مزد سال ۱۳۹۷</p> <p style="text-align: center;">- تیتراخبار</p> <p style="text-align: center;">گروه کار کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)</p>
<p>آدرس تماس با پست الکترونیک: karrooznamehi@gmail.com</p>	